



انترناسیونال

۲۶۰

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۱۵ شهریور ۱۳۸۷، ۵ سپتامبر ۲۰۰۸

www.m-hekmat.com

سرمدیر: محسن ابراهیمی Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com جمعه ها منتشر میشود

روی آوری به حزب

کلید سرنگونی جمهوری اسلامی است

گفتگو با حمید تقوایی در مورد "حزب و سازماندهی حزبی"



حمید تقوایی

انترناسیونال: مقاله "حزب و سازماندهی حزبی" که در انترناسیونال ۲۵۹ منتشر شد را با یک مشاهده شروع میکنید. این مشاهده فاصله میان حضور و نفوذ سیاسی و اجتماعی حزب با ابعاد تشکیلاتی آن است. قبل از هر چیز سؤال مشخص من اینست که نفوذ اجتماعی حزب را با چه شاخصهایی میسنجید؟ عبارت دیگر اگر ابعاد تشکیلاتی حزب در حد نفوذ سیاسی آن نیست خود این نفوذ سیاسی چگونه قابل مشاهده و ارزیابی است؟
حمید تقوایی: فاصله میان نفوذ صفحه ۲

فراخوان حزب بمناسبت

شروع سال تحصیلی جدید:

مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را گسترش دهیم!

آورد تا مبارزه برای خواسته های بلافصل رفاهی و سیاسی در مدارس و دانشگاه ها و همینطور مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را گسترش داد.

حزب کمونیست کارگری همه دانشجویان و دانش آموزان و همه معلمان را فرامیخواند تا با فرا رسیدن اول مهر برای گسترش اعتراضات خود علیه جمهوری اسلامی آماده شوند. موضوعات بسیاری هست که باید به نیروی اتحاد و مبارزه حل و فصل شود، از مطالبات رفاهی و صنفی معلمان که بی جواب مانده، تا آزادی فوری معلمان در بند و در معرض اعدام، از مطالبات گوناگون صنفی و سیاسی دانشجویان تا مقابله با دستگیری دانشجویان و لغو احکام سنگین زندان و وثیقه آنها و لغو احکام و انحلال کمیته های انضباطی و تا بسیاری مطالبات و خواست های دیگر که موضوع کشاکش با رژیم و ایادی اش در دانشگاه و مدرسه بوده است. و بر متن گسترش این اعتراضات باید آماده شد تا جمهوری اسلامی را به قدرت انقلابی کارگران و مردم آزاده به زیر کشید. شما دانشجویان و معلمان نقش مهمی در گسترش و پیشروی مبارزات آزادیخواهانه مردم داشته اید. اوضاع سیاسی کنونی میطلبد که این نقش را با جدیت بیشتری ایفا کنید.

اول مهر و سال تحصیلی جدید فرا میرسد. این در شرایطی است که بحران جمهوری اسلامی عمیقتر و همه جانبه تر از هر زمان دیگر بر جامعه ایران سایه انداخته است. زنگ شروع مدارس باید زنگ آغاز اعتراضات پر قدرت علیه جمهوری اسلامی و اوضاع نکبت بار کنونی باشد.

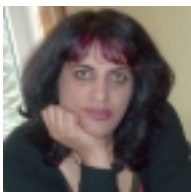
فقر و فلاکت و گرانی و بیکاری، فلج اقتصادی و اداری جمهوری اسلامی، جامعه ایران را در هم میکوبد. جمهوری اسلامی در اوج کشاکش با آمریکا و متحدینش بسر میبرد و تحریم اقتصادی و تهدید نظامی ناشی از این جنگ قدرت، زندگی مردم ایران را سخت تر و مخاطره آمیزتر از هر زمان کرده است. جمهوری اسلامی درگیر نزاع درونی و در تقلا برای بقاء، با هر وسیله ای که در اختیار دارد از اعدام و سنگسار تا حمله به دانشجویان و کارگران و فعالین سیاسی تا هجوم هر روزه به زنان و جوانان در خیابانها، میکوشد تا مگر اوضاع را تحت کنترل نگه دارد. اما مردم ایران حکم به رفتن جمهوری اسلامی داده اند و هر کسی میدانند مردم در کمین اند تا شر رژیم اسلامی را کم کنند. اول مهر در چنین شرایطی فرا میرسد و روزی است که میلیونها دانش آموز و دانشجو و معلم و استاد بواسطه سال تحصیلی جدید مجددا در مدارس و دانشگاه های سراسر کشور دور هم جمع میشوند. این فرصتی فراهم می

مصاف برای برگزاری

مراسم گرامیداشت جانبختگان در خاوران

صفحه ۴

علت تحرک قوم پرستان در رابطه با زندانیان سیاسی



مهرنوش موسوی

اخیرا یک عده ناسیونالیست قوم پرست به نام کمیته برای دفاع از زندانیان سیاسی کرد، دست به تحرکات سیاسی معینی زده اند. اینکه قطب راست جامعه ایران تحت چتر ناسیونالیسم دست به تحرک و تلاش میزند چیز عجیبی نیست. تا دیروز سر پرچم دعوا میکردند، فردایش به جای پرچم، قرآن میفروختند! آنقدر غیرت ملیشان باد کرده بود که نمیدانستند چکارش کنند، برای وطن پرستی هم شده، دسته دسته به سمت واشنگتن فرار صفحه ۴

کارگران نیشکر هفت تپه مجددا دست به تجمع اعتراضی زدند کارگران کیان تایر در مقابل دفتر احمدی نژاد دست به تجمع زدند

صفحات ۱۰ و ۱۱

صفحه ۱۲

اسپانسورهای کانال جدید

صفحه ۱۰

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ گفتگو با حمید تقوایی ...

اجتماعی و ابعاد تشکیلاتی حزب مشاهده تازه ای نیست. این یک تم ثابت مباحث ما در کنفرانسها و پلنوما طی دو سال گذشته بوده است. در نوشته ها و مقالات متعددی هم این مساله مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. مساله بسادگی اینست که موجودیت مادی حزب یعنی تعداد اعضا و کادرها، امکانات مالی و تکنیکی و عملی حزب، تیراژ نشریات و غیره - کلا آنچه میتوان آنرا فیزیک حزب نامید- با درجه محبوبیت و نفوذ اجتماعی و سیاسی حزب خوانائی ندارد.

نفوذ اجتماعی حزب شاخصهای روشنی دارد. مهمترین معیار به نظر من انعکاس اجتماعی شعارها و سیاستهای حزب است. ردیای سیاستهای حزب، بویژه در چند سال اخیر، در جامعه و در جنبشهای اعتراضی در عرصه های مختلف بروشنی قابل مشاهده است. نمونه ها کم نیست: متحقق شدن سیاست تعیین بخشی چپ و عرض اندام تشکلهای و شخصیتهای فعال در جنبش کارگری، عملی شدن رهنمودهای عملی حزب در اعتصابات و اعتراضات کارگری، همه گیر شدن شعار آزادی برابری در میان جوانان و در اعتراضات دانشجویی، شکل گیری و رشد جنبش دفاع از حقوق کودک، طرح شعارهایی نظیر "سوسیالیسم یا بربریت" و "سوسیالیسم پیا خیز برای رفع تبعیض" و خواندن سرود انترناسیونال در چندین تظاهرات و گردهمانی، رشد جنبشهای اعتراضی علیه اعدام و سنگسار و برای جدائی مذهب از دولت و سیستم آموزشی، و نمونه های زیاد دیگری که مروری بر سیر اعتراضات در چهار سال اخیر در برابر چشم همگان قرار میدهد، همه شاهد این مدعاست. اینها همه بیانگر نفوذ و محبوبیت نقد رادیکال و انسانی، و اعتراض از زاویه کمونیسم کارگری، به وضعیت موجود است. این واقعیت را ما در ادبیات و قطعنامه های حزب مفصلا بررسی کرده ایم. (رجوع کنید به قطعنامه در مورد رشد گرایش سوسیالیستی در حرکتیهای اعتراضی مردم و عروج کمونیسم کارگری مصوب کنفرانس ششم، منتشر شده در انترناسیونال ۱۹۴ ضمیمه).

با توجه به این واقعیات سئوال مشخص اینست که چرا فیزیک حزب، به معنایی که توضیح دادم، متناسب با این نفوذ سیاسی و اجتماعی حزب رشد نکرده است؟ توجه کنید که بحث بر سر انطباق یک به یک نفوذ سیاسی و ابعاد تشکیلاتی حزب نیست. برای یک حزب اجتماعی این کاملا طبیعی است که دامنه محبوبیت و نفوذ سیاسی و اجتماعی حزب از ابعاد تشکیلاتی اش پیشی بگیرد. برای حزب ما همیشه و حتی در ایده آل ترین حالت این تفاوت وجود خواهد داشت و این نه تنها منفی نیست بلکه نقطه قوت حزب محسوب میشود. مساله ما نه نفس فاصله میان فیزیک و نفوذ سیاسی و اجتماعی حزب بلکه این واقعیت است که حزب متناسب و هماهنگ با نفوذ سیاسی و اجتماعی اش رشد نکرده است. موضوع سمینار حزب و سازماندهی حزبی و مقاله ای که بر اساس این بحث در شماره قبلی انترناسیونال درج شد بررسی دلایل این مساله و ارائه راه حل برای آنست.

انترناسیونال: در مقاله حزب و سازماندهی حزبی بر جایگاه حزب و حریت در نظر و عملکرد حزب بعنوان کلید حل مساله تاکید شده است. شما این مساله را با تاکید منصور حکمت بر جایگاه قدرت سیاسی در پراتیک و اندیشه حزب مقایسه میکنید و نتیجه میگیرید که یک وجه تمایز کمونیسم کارگری از چپ سنتی و از گروههای فشار نه تنها برخورد به قدرت سیاسی بلکه همچنین درک و تلقی از حزب و حریت است. سئوالی که میتواند در اینجا مطرح شود اینست که آیا همان مباحث پایه ای در مورد "حزب و جامعه" و "حزب و قدرت سیاسی" باندازه کافی بیانگر تمایز حزب از چپ سنتی و از گروههای فشار نیست؟ مثلاً آیا اجتماعی دین مبارزه کمونیستی، مبارزه برای انتخاب اجتماعی حزب بوسیله طبقه کارگر، و عرض اندام حزب بعنوان یک نیروی مدعی قدرت سیاسی و آماده برای کسب و حفظ قدرت سیاسی را نمیتوان حلقه اصلی در تفاوت میان کمونیسم کارگری و چپ سنتی بر سر حزب و سازماندهی حزبی دانست؟

حمید تقوایی: در این تردیدی نیست که برخورد حزب ما به مساله قدرت سیاسی و حضور و ابراز وجود اجتماعی حزب یک تفاوت پایه ای میان حزب ما و چپ سنتی و گروههای فشار است. بحث من اینست که این تمایز در عین حال به تلقی و درک ما از حزب و پراتیک حزبی نیز مربوط میشود. همه میدانیم که بحث "حزب و قدرت سیاسی" و همینطور "حزب و جامعه" در مورد موضع و رابطه حزب در قبال قدرت سیاسی و رابطه حزب با جامعه است. در این مباحث وجود حزب فرض گرفته شده و مساله محبوبیت و نفوذ حزب در جامعه و انتخاب اجتماعی حزب بعنوان نیروی رهبری کننده مبارزات مردم و نیروی شایسته و توانا برای تصرف قدرت سیاسی مورد تامل و بررسی قرار گرفته است. اما بحث سازماندهی حزبی بر سر خود حزب است. باید بر خود پروسه رشد و تقویت حزبی که بتواند اجتماعا از جانب توده های وسیع مردم انتخاب شود نیز تامل و تعمق کرد. ما تا کنون با پیروی از سیاستهای مبتنی بر نظریه "حزب و قدرت سیاسی" و "حزب و جامعه" پیشرویهایی زیادی داشته ایم و امروز به یک معنی همین پیشرفتها تامل بیشتر بر خود حزب و سازماندهی حزبی را ضروری کرده است. امروز سازماندهی حزبی که مردم متنفر از حکومت اسلامی آنرا نماینده خود بدانند، حزبی که بتواند جنبش سرنگونی طلبانه مردم را سازمان دهد و به پیروزی برساند و بتواند قدرت سیاسی را تصرف کند بیش از پیش و مبرم تر و عاجل از هر زمان در برابر ما قرار گرفته است. در اینجا صحبت بر سر حزب بعنوان نیروی فعال و عامل سازماندهی و پیشبرد مبارزه و انقلاب است و نه صرفا نیروئی که باید اجتماعا انتخاب شود. دست بردن به مکانیسمهای اجتماعی مبارزه و حضور قدرتمند در عرصه مبارزه برای قدرت سیاسی حزب مستقیما بر ابعاد و توان و امکانات تشکیلاتی حزب تاثیر میگذارد اما حزب محصول خودبخودی و یا جانبی این مکانیسمها و مبارزات نیست. همانطور که عده ای باید قدم بجلو بگذارند و حزب را تشکیل بدهند، رشد و بسط حزب هم نتیجه فعالیت مستقیم و عملکرد آگاهانه و بیواسطه اعضا و کادرهای حزب

است. رشد حزب نتیجه جانبی فعالیتها و دیگر نیست بلکه حاصل تاکید بر اهمیت و ضرورت خود حزب در همه سطوح پراتیک حزبی است. من این فطره رفتن از طرح حزب و سازماندهی بیواسطه حزبی را حزب - پروسه نامیده ام و آنرا بعنوان سنت چپ غیر کارگری به امر حزب و سازماندهی حزبی مورد انتقاد قرار داده ام. این فقط یک اشکال سبک کاری نیست. همانطور که در نوشته ام اشاره کردم این مساله دارای زمینه های اجتماعی و تاریخی و نظری و تئوریک معینی در تاریخ معاصر ایران است که باید آنها را عمیقا شناخت، نقد کرد و بکنار زد. چپ غیر کارگری که حزب را برای هر چیزی - از رشد صنعت گرفته تا استقلال از امپریالیسم و کمک به اسلام دگراندیش و غیره- میخواهد بجز برای بر انداختن سرمایه و خلع ید سیاسی و اقتصادی از طبقه سرمایه دار، طبیعی است که حزب را بعنوان محور و ستون فقرات مبارزه برای سرنگونی طبقه حاکمه و تصرف قدرت سیاسی نبیند و نشانسد و به جامعه نشانساند. وقتی حزب یک گروه فشار به نیروها و طبقات دیگر و حداکثر برای ایجاد تغییراتی در جامعه تصور شود، سازماندهی حزبی و روی آوری جامعه به حزب هم ضرورت و مبرمیتی پیدا نمیکند و میتوان با خیال راحت رشد حزب را هم به سیر تدریجی رشد نیروهای مولده سپرد. این مبنای حزب - پروسه است که گرچه مبنای و ریشه های نظری و اجتماعی آن در سنت فکری و سیاسی ما و در ادبیات حزبی مفصلا و همه جانبه مود نقد قرار گرفته است اما استنتاجات عملی آن در رابطه با مساله سازماندهی حزب را کمتر مورد تامل کرده ایم.

نکته ای که بخصوص اینجا میخواهم تاکید کنم اینست که ما حزب را حول استراتژی و هدف خلع ید سیاسی و اقتصادی از سرمایه داری و تصرف قدرت سیاسی ساخته ایم. و ازینرو برای ما معیار حریت پراتیک است. ما یک حزب سیاسی هستیم و نه یک سازمان عقیدتی، یک نیروی اجتماعی هستیم و نه یک فرقه نظری. و از همین رو سازماندهی حزبی برای ما سازماندهی پراتیک و عمل معینی

در جامعه است. اگر بقول منصور حکمت کمونیسم چیزی بجز ماتریالیسم پراتیک نیست، جوهر و هویت حزب کمونیست را نیز باید پراتیک علیه نظام و حاکمیت سرمایه داری، در تمام وجوه و بروزات آن، دانست. این یک اصل فلسفی و یا حکم انتزاعی تئوریک نیست، یک واقعیت اجتماعی است. مردم به حزبی مثل حزب ما روی می آورند تا قدمی بردارند و برای حل مسائلشان و برای تغییر وضعیت موجود کاری انجام بدهند. ما باید این واقعیت را ببینیم و برسمت بشناسیم و محور عضو گیری و سازماندهی حزبی قرار بدهیم.

انترناسیونال: تبلیغ، ترویج، سازماندهی. این فرمول کلاسیک و شناخته شده فعالیت حزبی است. شما تلقی محدودنگرانه و سنتی از این فرمول را در مقاله تان زیر سئوال میبرید. تا آنجا پیش میروید که "نقد پراکندگی و ضرورت و مطلوبیت حزب" را هم سطح "نقد سرمایه داری و ضرورت سوسیالیسم" تلقی میکنید. مشخصا این بحث شماست. در همان سطح انتزاع، در همان سطح پایه ای و در همان سطح مهمی که می گویم سرمایه داری باعث فقر، تبعیض، شکاف طبقاتی و همه مصائب جامعه است، هیچگاه در همان سطح نمی گویم که راه حل حزب است. "ضرورت و مطلوبیت حزب و با حزب بودن از همان جایی ناشی میشود که ضرورت و مطلوبیت شعار آزادی، برابری و جامعه سوسیالیستی می آید. اینها هر دو در یک سطح اند. هم سطح اند. دو روی یک سکه اند. در جهان واقعی هم به مربوط اند و باید این حقیقت را بدون رو در بایستی، رک، صریح و روشن به مردم گفت. "آیا هیچ تقدم تاخری در این میان نیست؟ آیا این سه سطح و سه جنبه فعالیت کمونیستی در عالم واقعی مراحل مختلفی از یک مبارزه نیستند؟ آیا این جا سطوح مختلف مبارزه کمونیستی باهم قاطی نشده اند؟ آیا این باعث نمیشود اولویت های سیاسی یک فعال حزبی بهم بریزد؟ و بالاخر آیا این خطر وجود ندارد که نقد سرمایه داری و تبلیغ ترویج سوسیالیسم تحت الشعاع قرار بگیرد و فرعی بشود؟

حمید تقوایی: فکر میکنم روشن صفحه ۳

از صفحه ۲ گفتگو با حمید تقوایی ...

باشد که تبلیغ و ترویج و سازماندهی سه "مرحله" مبارزه نیستند، بلکه سه جزء بهم تنیده از یک فعالیت واحد هستند. این امر برای هر موضوعی و نه فقط موضوع حزب و سازماندهی حزبی صدق میکند. فرض کنید شما فعال حزبی در جنبش آزادی زن هستید. آگاهگری و رادیکالیزه کردن این جنبش، مقابله با گرایشات سازشکارانه و ملی - اسلامی در این جنبش، و متشکل کردن فعالین این جنبش در نهاد ها و کمیته های علنی و نیمه علنی، همه اجزا مختلف فعالیت شما را تشکیل میدهد که هر چند ممکن است بر روی کاغذ و نظرات آنها را از هم تفکیک کرد اما در جهان واقعی همه این جنبه ها بهم وابسته و به هم مربوط اند. هیچ زمان نمیشود گفت که فرضا امر نقد گرایشات سازشکارانه به انجام رسیده و مرحله سازماندهی شروع شده و یا تبلیغ کافی است و از این پس باید فقط ترویج کرد! از همان قدم اول تا به پیروزی رسیدن مبارزه همه این وجوه را باید با هم به پیشبرد.

در مورد سازماندهی خود حزب هم عینا این امر صدق میکند. مساله اینست که در پراتیک فعالین حزبی این نوع مرحله بندی بویژه در رابطه با سازماندهی حزب خود را نشان میدهد. مساله ای که من آنرا حزب-پروسه نامیده ام. تاکید من بر اهمیت معرفی و تبلیغ حزب در سطح سوسیالیسم و نقد سرمایه داری برای درهم شکستن این ذهنیت مرحله بندی شده است.

می پرسید آیا اولویت های سیاسی به هم نمیریزد و باعث نمیشود نقد سرمایه داری و تبلیغ سوسیالیسم تحت الشعاع قرار بگیرد؟ به نظر من بر عکس، این ظفره رفتن از طرح صریح و بلاواسطه اهمیت و ضرورت حزب است که اولویتهای سیاسی را تشخیص نمیدهد و در نقد سرمایه داری الکن و ناپیگیر است. اگر رابطه حزب و حزبیت را با نقد سرمایه داری و تحقق سوسیالیسم ببینیم آنوقت طرح جایگاه و اهمیت حزب نتیجه منطقی و ناگزیر فعالیت ما خواهد بود. تمام مساله به نظر من بر سر دیدن رابطه واقعی میان نقد اجتماعی و عملی سرمایه و رسیدن

به یک جامعه انسانی و آزاد سوسیالیستی با سازمان یافتن در حزب و مبارزه حزبی است. اگر حقیقت اینست که بدون حزب طبقه کارگر در عرصه مبارزه سیاسی نمایندگی نمیشود، اگر این یک واقعیت است که بدون حزب سرنوشتی حکومت و خلع ید سیاسی و اقتصادی از سرمایه داری ممکن نیست و اگر در این تردیدی نداریم که مشخصا در شرایط سیاسی امروز ایران جامعه بدون رهبری و سازماندهی حزبی نمیتواند از شر جمهوری اسلامی خلاص شود آنوقت بناگزیب باید اهمیت حزب و سازمان یافتن در حزب را در همان سطح پایه ای ضرورت مبارزه علیه سرمایه داری، برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و رسیدن به یک جامعه آزاد و برابر و انسانی بمیان مردم برد و مردم را به حزب فرا خواند. هر عملی بجز این صرفا بردن نیمه ای از حقیقت بمیان مردم خواهد بود. هر عملی بجز این بیان الکن و نیمه کاره نقد سرمایه و تبلیغ سوسیالیسم خواهد بود. حزب و پراتیک حزبی در محور نقد سرمایه و کلا نقد کلیه مصائب جامعه سرمایه داری قرار دارد و همین حقیقت را باید شفاف و صریح با هر کس که خواهان تغییر وضع موجود است در میان گذاشت و آنانرا به حزب فراخواند.

انترناسیونال: میگوید تلقی سنتی از رابطه اکتیویستها با حزب، آنها را در بهترین حالت به طرفداران تاکتیکی حزب تبدیل میکند. این را بیشتر توضیح دهید. اولاً طرفداری تاکتیکی از حزب چیست و چه ایرادی دارد؟ ثانیاً، نقش خود حزب در اشاعه چنین تلقی و تصویری یا در به هم ریختن این تصویر و تغییر آن چیست؟

حمید تقوایی: به نظر من محدود ماندن به جلب طرفداران تاکتیکی و یا موافقین با این یا آن شعار و موضع و کمپین مشخص حزبی یکی از ارکان حزب - پروسه است. همانطور که در مقاله هم اشاره کردم این کاملاً طبیعی است که افراد از سر مسائل مشخصی به حزب جلب شوند اما این را باید تنها قدم اول در پیوستن به حزب محسوب کرد. پیوستن هر فرد به حزب باید رشد

آگاهی و درک عمیق تر او از حقایق نظام سرمایه داری و مبارزه همه جانبه ای که علیه این نظام باید به پیش برد را بدنبال داشته باشد. اگرچنین نکنیم حزب استوار و مستحکمی نخواهیم داشت. کسی که تاکتیکی به حزب آمده باشد، تاکتیکی هم حزب از حزب میرود. حزب در کمپینها و عرصه های مبارزاتی متنوع و متعددی درگیر است اما هویت حزب و علت وجودی حزب ماورای همه این عرصه ها است. حزب کمونیست کارگری برای نفی نظام سرمایه داری و خلع ید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی، برای تحقق سوسیالیسم ایجاد شده است. برنامه حزب، همه سیاستهای حزب و فعالیتهای متنوع حزب ناظر بر این هدف است. آزادی انسانها و آزادی و رهائی جامعه، و نه فقط طبقه کارگر، در گرو تحقق این آرمان و استراتژی سوسیالیستی حزب است و نه صرفا پیشروی در این یا آن عرصه معین. عضو حزب به هر دلیلی که به حزب پیوسته باشد و فعال هر عرصه مبارزاتی که باشد باید این هویت و هدف انسانی حزب را بشناسد و مبارزه و فعالیت خود را در این متن ببیند و به پیش ببرد. این یک امر صرفاً آرمانی و عقیدتی نیست، بلکه یک ضرورت عملی برای پیشروی و موفقیت در هر عرصه معین هم هست. کسی که کل نقشه جنگ را نداشته باشد و مکان و جایگاه نبرد مشخصی که در آن درگیر است را در کل جنگ طبقاتی نبیند و درک نکند در همان نبرد معین نیز پیشروی چندانی نخواهد داشت.

این گرایش محدود دیدن حزب به یک عرصه تاکتیکی معین و ارزیابی حزب بر این مبنی بخصوص در میان اکتیویستهای جنبشهای اعتراضی قوی است و خود ما هم نه تنها آن طور که باید در مقابلش نایستاده ایم بلکه در مواردی ناخواسته به آن دامن زده ایم. من در نوشته ام در این مورد نسبتاً به تفصیل توضیح داده ام و در اینجا لزومی به توضیح بیشتر نمی بینم. فقط باید بر این نکته تاکید کنم که معرفی حزب در تمامیت خود و تاکید بر ضرورت و مطلوبیت سازمانیابی و مبارزه حزبی بخصوص در رابطه با فعالین جنبشهای اعتراضی اهمیت ویژه ای پیدا میکند که باید در محور فعالیت و دخالتگری و عضو گیری

حزبی ما در اعتصابات و مبارزات جاری قرار بگیرد.

انترناسیونال: در مقاله میگوید که "نقد حزب - پروسه صرفاً یک امر تئوریک و یا سبک کاری نیست. امروز دیگر این یک ضرورت عاجل و پاسخ مشخص ما به شرایط حاضر در جامعه است." سؤال من در باره تاکید شما به امروز در مقایسه با شرایط دیگر است. مگر نقد این تصورات از حزب یا تلقی "حزب - پروسه" ای از حزب برای همیشه صادق نیست؟ شرایط امروز چه ویژگی دارد که در نقد "حزب - پروسه" این چنین مورد تاکید قرار میگیرد؟ **حمید تقوایی:** هرکس برنامه های زنده کانال جدید و سئوالها و انتظارات مردم از حزب را دنبال کرده باشد متوجه ویژگی شرایط حاضر خواهد شد. مردم از وضعیت موجود جانیشان به لب رسیده و مستؤل و عامل این وضعیت را نیز بدرست جمهوری اسلامی میدانند. جامعه در حال انفجار است و مردم بدنبال راه چاره میگردند. بحث اتحاد را مطرح میکنند، بدنبال یک نیروی رهبری کننده میگردند و از ما میپرسند برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی چه باید بکنیم؟ به این شرایط از طریق مبارزات عرصه ای و کمپینهای حزبی و دخالت گری در مبارزات جاری و غیره نمیتوان پاسخ گفت. اینها همه لازم است اما دیگرکافی نیست. مساله مردم مستقیماً امر سرنوشتی جمهوری اسلامی است. قدرت سیاسی به مرکز توجه جامعه رانده شده است و باید به این مساله جواب

مشخص و عملی داد. این شرایط تاکید دیگری است بر حقانیت نقد ما از حزب پروسه و اهمیت و ضرورت طرح حزب و تشکل حزبی. حتی اگر در امر سازماندهی حزبی مشکلی نداشتیم و حزب ما به تناسب نفوذ اجتماعی و سیاسی ما در جامعه رشد کرده بود باز در شرایط مشخص حاضر باید بر سازماندهی حزبی مجدداً تاکید میکردیم و با جدیت و کوشش بیشتری این سیاست را به پیش میبردیم. روشن است که شرایط سیاسی مستقیماً در افول و عروج احزاب نقش دارند و شرایط سیاسی حاضر دوره رشد و عروج حزب ما است. بعبارت دقیقتر وضعیت سیاسی حاضر در جامعه

امکان و پتانسیل رشد سریع یک حزب رادیکال، چپ، انسانی و آرمانگرا را فراهم کرده است. حزب ما میتواند بر متن این شرایط سریعاً رشد کند، و عملی شدن این امر دیگر کاملاً به پراتیک و عملکرد خود ما مربوط میشود.

بطور واقعی و عینی پاسخ ما به وحدت طلبی مردم حزب است. وحدت حول سیاستهای متحد کننده ممکن است و تنها سیاستی میتواند متحد کننده اقشار وسیع مردم محروم جامعه باشد که بر انسانیت و خواستهای انسانی مردم متکی باشد. خلیج همیشه فارس و اسلام دگر اندیش و قومگرانی و ملی گرایی و قدوسیت خاک و پرچم عامل وحدت نیست عامل تفرقه مردم است. تنها دفاع از انسانیت و حرمت انسانها و پرچم "آزادی برابری هویت انسانی" میتواند صفوف توده مردم را همبسته و متحد کند و این پرچم در دست حزب ما است.

حزب پاسخ ما به مساله سرنوشتی جمهوری اسلامی است. حزب کمونیست کارگری نماینده مردم و بلندقوی اعتراضات و مبارزات آنانست. حزب تجسم و تبلور سیاسی فریاد "حکومت اسلامی نمیخواهیم، نمیخواهیم، نمیخواهیم" مردم است. حزب پرچمدار نقد عمیق و طبقاتی فقر و محرومیت توده مردم، فرودستی زنان، بیحقوقی جوانان، و سرکوبگرها و جنایات غارتگریهای حکومت اسلامی است. تنها این حزب میتواند خواست و اراده مردم برای سرنوشتی جمهوری اسلامی را نمایندگی کند، آنرا سازمان بدهد، به پیش ببرد و به پیروزی برساند. در انقلاب ۵۷ چنین نیروئی وجود نداشت و امروز چنین نیروئی هست. پاسخ ما به مردمی که میگویند رهبر وجود ندارد اینست که این رهبر هست، به حزب روی بیاورید و به صفوف حزب بپیوندید. این نوع معرفی و بردن حزب بمیان مردم باید امر همیشگی ما باشد اما در شرایط حاضر انجام این وظیفه باید در راس و محور پراتیک حزبی در همه عرصه ها قرار بگیرد. *

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱ علت تحرک قوم پرستان ...

کردند تا شاید نیمچه سرنوشتی مانند عمو جلالشان در مرزهای ایران نصیبشان بشود! نصیبشان که هیچی بود، اما خودشان به جان هم افتادند! لذا تحرکات ارتجاع قومی برای ما چیز جدیدی نیست. نکته جدید این است که این بار چرا اینها، آنهم روی محور مبارزه برای حقوق و آزادی زندانیان سیاسی کفش و کلاه کرده اند؟ ناسیونالیست بودن و قوم الله بودنشان که محرز و فرض است، سؤال این است الان چرا بیکهو یاد زندانی سیاسی آنهم هویت قومی این زندانی سیاسی افتاده اند؟

به نظر من اینجا دیگر هویت قومی برای اینها پوسته است. اصل، آن سیاستی است که در پوشش قومی به بازار عرضه میشود. سیاست اینها هم مستقیماً از چند و چون توازن قوا میان قطب چپ و راست جامعه ایران متأثر میشود. لذا با چرخش نگاهی در اوضاع و بویژه تحرکات سیاسی در خود کردستان میتوان فوری فهمید چرا این عده با گرز کردی نامیدن مبارزه زندانیان سیاسی به میدان آمده اند. مشکل این لشکر از هم پاشیده قوم الله يك جمله است: موفقیت بزرگ و عظیم کمپین برای آزادی فرزاد کمانگر!

اتفاقی که در کمپین برای آزادی کمانگر افتاد این بود که يك مقابله سراسری و بین المللی شکل گرفت. از همان روز اول ناسیونالیستهای

کرد مشغول جوبیدن ناخنهايشان شده بودند. هر کاری کردند سر برنامه کانال جدید برای آزادی کمانگر را يك درجه به سمت کردایتی كج کنند، نشد که نشد که نشد! از اهواز و آبادان، تا تهران و استکهلم، از فرانکفورت تا شیراز و همدان، مردم روی خط کانال جدید آمده و از آزادی فرزاد کمانگر دفاع کردند. هیچ کسی اصلاً نپرسید شغل ایشان چیست، چه رسد به هویت اختراعی قومی و ملی وی! با اولین تلفن در باره کرد بودن وی، مردم خودشان جواب ناسیونالیستها را دادند! خود فرزاد کمانگر با نوشتن نامه و استناد به شعر برشت، فی الواقع تو دهنی به کسانی زد که خواهان سیاست تقسیم و جدا کردن انسانها بودند!

مردم ایران از آزادی فرزاد کمانگر دفاع کردند چون آزادی را تقسیم پذیر به جنسیت و قومیت و مذهب و لامذهبی کسی نمیدانند و همین يك قلم، بدجوری ناسیونالیستها را کلافه میکنند. همین يك قلم باعث جدایی عظیم سیاسی و اجتماعی میان قطب چپ و راست جامعه ایران است. ما نه ارتجاع اسلامی را به رسمیت می شناسیم، نه ارتجاع قومی را! ما همیشه اعلام کرده ایم ستم کشی مردم کردستان ربطی به احزاب و جریاناتی که خود از این ستم تغذیه میکنند ندارد. ما همیشه گفته ایم

قوم پرستی و ناسیونالیسم همزاد شوینیسم و عظمت طلبی است. همگیشان دستشان در يك کاسه است.

در چند ماه اخیر، علاوه بر حزب کمونیست کارگری ایران که کمپین وسیعی را در سطح ایران و در عرصه بین المللی برپا کرده و جواب هم گرفت، بیشتر سازمانها و احزاب آپوزیسیون ایران اقدام به جمع آوری امضاء و انتشار عکس وی و آکسیونهای اعتراضی بسیاری کردند. اما سیاست حاکم بر کل این اعتراضات، همان سیاست تولید و بازتولید شده ماست که مدام میگویم انسانیت و آزادی، مرز نمی شناسد! این سیاست در مبارزه برای آزادی فرزاد کمانگر دست بالا داشت. اصلاً نفس وجود این سیاست باعث شد که این کمپین جهانی بشود. ناسیونالیستها از این ترسیدند. در کلیه کمپینهایی که برای آزادی فرزاد کمانگر برپا شد هر چه تلاش کردند دستشان را به جایی بند کنند، نشد. کسی تحویلشان نگرفت. اصلاً الان اگر خود فرزاد کمانگر هم بخواهد خودش را زندانی کرد معرفی کند، کسی گوشش بدهکار نیست. مردم آزادی فرزاد را با خودشان به پشت دیوارهای ساخته شده ارتجاع قومی بردند! مطمئن باشید اگر فرزاد کمانگر با توسل به کردایتی به میدان آمده بود، خودش با دست خودش کاری کرده بود که مبارزه برای آزادی اش کم بنیه بشود. چرا که مردم در مقابل

ارتجاع قومی از يك سو و ارتجاع اسلامی هیچکدام را انتخاب نمیکردند ولو اینکه خواستار شکستن در زندانها میشدند!

اینکه چپ، انسانگرایی سوسیالیستی و تحرك بالای سیاسی ما دست بالا پیدا کرد باعث شد ناسیونالیستهای آواره کربدوره‌های دول غرب، قوم پرستهای حرفه ای بروند و نقشه بزنند که چگونه به زمین مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی حمله کنند. سناریویی که در آوردند این است که امروز می بینیم! اعتصاب غذای زندانیان سیاسی کرد! ائتلاف کردی برای آزادی زندانیان سیاسی!

در حالی که هدف اینها حتی مردم کردستان نیستند. که اگر بودند، کفش و کلاه نمی کردند به سینه حمایت مردم ایران، به باراندازهای کشتیرانان استرالیا، به اتحادیه های کارگری آمریکا، به سازمانهای مدافع حقوق انسانی دست رد بزنند تا ویژگی "قومی" زندانی را برجسته کنند. به همین دلیل هم چون کارشان نگرفته است، چون کسی این ترهات قومی را تحویل نگرفته، چون سناریوشان شکست خورد، بسیار عصبانی شده، دیروز اطلاعیه ای منتشر کرده و به جای اینکه به خودشان تشر بزنند، داد و قال راه انداخته که چرا به جز گروههای شناخته شده مرتجع، کسی ائتلافشان را امضاء نمی کند؟ فکری به حال کمپینشان نمی کند! خودشان دارند میگویند کارمان

نگرفت! علت دارد! همه این ناخن جویدنها، اعتراف به جا ماندنها و گریه زاریها دلیل دارد! علت اینکه کمیته درست کردند و تلاش کردند جنب و جوش قومی در زندانها سرهم کنند، مقابله با تلاش انترناسیونالیستی و انسانی، سوسیالیستی و چپ جامعه ایران بود که خار شد و فرو رفت در چشم این جریانات! علت اینکه خیمه شب بازی کردیشان حتی در میان مردم شریف، مبارز، سوسیالیست، کمونیست و آزادیخواه خود کردستان هم نگرفت، چه رسد به سایر شهرهای ایران و خارج کشور، باز هم دست بالا داشتن همان انسانگرایی سوسیالیستی است!

این جریان را باید سر جایش نشانند. باید به مردم ایران نشان داد که اینها حرص میخورند وقتی مردم از آزادی فرزاد کمانگر دفاع میکنند بدون توجه به گرایش سیاسی، جنسیت، قومیت انتصابی و غیره وی و همه زندانیان سیاسی! باید به مردم ایران نشان داد که این بلوغ سیاسی، این آزاداندیشی چپ و سوسیالیستی امان از راست، ناسیونالیست، اسلام پناه اصلاح طلب، فمینیست طرفدار صیغه و تعدد زوجات بریده است. مردم باید در تحرکات قومی اینها، نقش قدرت اعتراض و مبارزه خود را ببینند!*

به مصاف طلبیدند. این مصاف، نوید دهنده تصویر بزرگتری است که فردا مردم در صفوف میلیونی آوار عمارت جنایت حکومت اسلامی را بر سر سرائش خراب خواهند نمود. حزب کمونیست کارگری بار دیگر به تمامی خانواده های جانباختگان و همه مردم شریف و آزادیخواهی که برای برگزاری مراسم بزرگداشت جانباختگان تلاش کردند، درود میفرستد. روزی که سران و دست اندرکاران حکومت جنایت اسلامی در دادگاه مردم به محاکمه کشیده شوند دور نیست.

گرامی باد یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم مرفی بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۰ شهریور ۱۳۸۷، ۳۱ اوت ۲۰۰۸

مصاف برای برگزاری مراسم گرامیداشت جانباختگان در خاوران

نفر از نیروهای انتظامی و اطلاعاتی در اطراف خاوران مستقر شده بودند تا نگذارند که خانواده های جانباخته و مردم آزادیخواه خود را به خاوران برسانند. ارادل و اوپاش مسلح رژیم وحشیانه به اتومبیل هائی که خود را به حوالی خاوران رسانده بودند، حمله کردند و با باتوم شیشه ماشین ها و پلاک آنها را کردند. در جریان این یورش چند نفر مجروح و چند نفر دستگیر شدند. پس از آن که حاضرین دریافتند به علت لشگرکشی نظامی امکان ورود به گلزار و برگزاری مراسم وجود ندارد، جاده خاوران را با گلهای سرخ

روز جمعه هشتم شهریور ماه، در بیستمین سالگرد اعدام دسته جمعی زندانیان سیاسی، رژیم اسلامی برای جلوگیری از برگزاری مراسم گرامیداشت یاد جانباختگان، ارادل و اوپاش مسلح خود را بکار گرفت تا بر مردمی که عزم کرده بودند در این روز بر مزار عزیزان خود در خاوران گرد هم آیند، راه را ببندد. به گفته شاهدان عینی و گزارشات ارسالی، خانواده های جانباختگان و مردم آزاده، از چهار گوشه تهران به سمت خاوران حرکت کردند که در آنجا با مانع و سد نیروهای رژیم مواجه شدند. گفته میشود بیش از ۳۰۰

سران رژیم بجرم جنایت و آدمکشی را در جامعه فعال نگه داشته است. گردهمایی در خاوران عزم مردمی را بنمایش میگذارد که خواهان روشن شدن کل زوایای این جنایت سیاه و فراموش نشدنی هستند، میخوانند با انداختن نورافکن بر گورهای دسته جمعی، معنای حکومت اسلامی را به جهانیان نشان دهند و اجازه ندهند حکومت اسلامی و کل دار و دسته های آدمکش آن، فرصت تکرار يك جنایت سبعانه دیگر را پیدا کنند.

قرق نظامی خاوران، وحشت رژیم اسلامی و رعشه مرگ آنرا بنمایش گذاشت. مردم طبق تجربه هرساله میدانستند که اوپاشان و چاقوکشان اسلامی مزاحم آنها میشوند اما علیرغم این، مصمم بطرف خاوران حرکت نمودند و جمهوری اسلامی را

صدای مردم در کانال جدید

رژیم صد هزار اعدام را چگونه سرنگون کنیم؟ برنامه ای از اصغر کریمی

مردم عدالت و برابری و رفاه و آزادی و شادی میخواهند

سلام. آیا شما که میگویید این رژیم باید سرنگون شود هیچ فکر کرده اید که چه رژیمی بجایش باید بیاید؟ خب مردم میترسند و میگویند ما یکبار انقلاب کردیم و اینهمه کشته دادیم و اینهمه هزینه کردیم و حالا رژیم دیگری که بخواهد بیاید چه جور رژیمی خواهد بود و چی باید باشد؟ مردم عدالت و برابری و رفاه و آزادی و شادی میخواهند و امیدوارم متحد شوند و این رژیم را براندازند و بدانند که بعد از این رژیم چه نظامی سر کار بیاید تا مثل انقلاب گذشته از آب در نیاید.

مردی از ایران

ما اصلا دین نمیخواهیم

با سلام بشما. همه میدانیم که مشکلات جمهوری اسلامی یکی دو تا نیست و برای همه روشن است و سالهای سال است که ملت واقعا شریف ما دارند تحمل میکنند و درواقع باید گفت که شکنجه میشوند. بخشی از مردم ما افسرده اند و دارند دست به خود کشی میزنند و بخشی معتاد و بخشی ناچار به تن فروشی شده اند و بخش بیشتری بیکارند بویژه اغلب زنان که ناچار به ماندن در خانه شده اند و اکثر آنهاهی هم که کار میکنند حقوقهای آنها را هم بموقع پرداخت نمیکنند. پس مشکلات مردم ما یکی دو تا نیست. درگیریهایی بین زن و شوهر بالاست و مشکلات جوانان بویژه زنان که حد ندارد و بخشی از مردم بخاطر همین نداری بی امنیتی به مشاجره باهم افتاده اند. کشور ما مستعمره نیست و ما روی نفت هستیم درعین حال کارگر زیاد داریم و روشنفکر زیاد داریم اما همانطوری که گفتم مشکلات مان هم زیاد است و بخش زیادی از بچه های خانواده ها به سو تغذیه دچار شده اند و خودشان هم میدانند و خودمان هم میدانیم که کی میزنه و کی میخوره و کی میبیره. ما فعالیت میکنیم و میجنگیم چه آنهاهی که

ما ایستاده ایم تا سرنگونی این رژیم

سلام میکنم و میخواستم بگویم که این رژیمی که اینهمه مردم را استعمار میکنند یعنی با احق شمردن از مردم سو استفاده میکند و از اموال و بیت المال مردم دارد غارت میکند ما ایستاده ایم و از جانمان هم مایه میگذاریم و تا سرنگونی این رژیم تلاش خواهیم کرد. ما تلویزیون شما را حمایت میکنیم و تلاشهای چنین زنانی را هم حمایت میکنیم و امیدوارم که بتوانیم این رژیم را بزیر بکشیم و برابری و برادری و حکومت کارگری را در سطح کشور برافراشته نگه داریم.

مردی از ایران

کار رژیم را تمام کنیم و زندگی خوبی برقرار کنیم

سلام آقای کریمی خسته نباشید. من هم با شما موافقم که این رژیم را باید انداخت اما نکته ای که دارم اینست که شما برخورد سطحی با این عوامل اطلاعاتی که از رژیم حمایت میکنند دارید. بنظر من آنها لایق بدترین اهانتها و فحش ها هستند اما شما خیلی ملایم با اینها برخورد میکنید شما خیلی راحت میتوانید دست اینها را رو کنید ولی وقتی ساده با اینها برخورد میکنید ما ناراحت میشویم. بنظر من مردم باید اول خودشان دلشان به حال خودشان بسوزد و فرد فردشان برای تغییر این اوضاع و برانداختن این رژیم مصمم باشند ولی بنظر مردم دارند خیلی احساسی برخورد میکنند و حالت استراتژیک ندارند و شاید یک علتش هم اینست که شما یکخورده احساسی برخورد میکنید درصورتی که این حکومت رژیم پوست کلفت و عوضی است و بسیار سیاستمدار است حال این سیاست را از خودش میگیرد و یا از غرب و یا از هر جایی میگیرد. مردم باید فرهنگ خودشان را در هر چیزی ببرند بالا که بفهمند که در هر چیزی حق و حقوق خودشان چیست. مردم خیال میکنند که زندگیشان همین چیزی هست که میگذرد و به حقوق انسانی خودشان آشنا نیستند. با وجود اینکه من قبول دارم که نظام اروپا و آمریکا و انگلیس کارگری نیست و انسانی نیست و یک نظام کارگری صد در صد درست است ولی خب آنها باز هم بسیار بهتر از اینها زندگی میکنند و شما باید این نکات را برای مردم ایران بیشتر باز

کنید. بهرحال خسته نباشید و امیدوارم کار رژیم را با اتحاد همدیگر تمام کنیم و زندگی خوبی را برقرار کنیم.

مردی از ایران

این رژیم با زبان خوش پایین نمی آید

با سلام و خسته نباشید به شما. آقای کریمی اگر شما قصد براندازی نظام را دارید بطوری همه ما ایرانیان داخل کشور هم عاشق این براندازی هستیم و بایستی برنامه مدونی داشته باشیم. شما هر سری یک تیتری می چسبانید به صفحه تلویزیون مثل (رژیم صد هزار اعدام را سرنگون کنیم) خب بله همه دوست داریم ولی راه مدونش که بارها هم گفته شده تشکیل رهبری و تظاهرات مختلف در خارج کشور است و ما نمیتوانیم در داخل ایران با این رژیم خونخوار تظاهرات بکنیم. بنظر من الان گروههای خارج کشور هستند که باید تظاهرات میلیونی سازمان بدهند و مسئولیت بیشتر بگردن آنهاست و ما در داخل نمیتوانیم تظاهرات کنیم ولی اگر خارج کشورها بخواهند میتوانند تظاهرات میلیونی سازمان بدهند مخصوصا در جلوی سفارتخانه های ایران و نباید بگذاریم که دیپلماتهای ایران براضی بیایند خارج و نفس بکشند. بنظر من شما یک شورای رهبری تشکیل بدهید و منتظر نمانید که آقایان احزاب و گروه ها متحد شوند. ... مگر میشود که یک دوهزاری بدهیم دست آخوند و بعد بخواهیم پس بگیریم حال چه برسد که مملکت را پس بگیریم. بنابراین راهی جز برخورد سازمانیافته مردمی و مسلحانه ندارد. الان شما بیایید از طریق سازمان ملل حکمی صادر بکنید که این حکومت باید برود خب آیا آتموقع این حکومت میگویید بفرمایید حکومت را میدهیم بشما! پس این کاری که ما باید بکنیم چرا در آخر کار انجام دهم. ببینید الان به میلیونها نفر و صدها هزار خانواده توسط کلاترتی و انتظامات و اطلاعاتی و غیره لطمه وارد میشود بنظر من شماها که در خارج کشور هستید مسئولید و این برنامه مدون میخواهد. ...

مردی از ایران

وقتی برنامه های شما شروع میشود ...
الو سلام خسته نباشید آقای کریمی.

بنظر من مردم هستند که میتوانند این رژیم را سرنگون کنند. ... این حکومت سی سال است که پدر مردم را درآورده و بلاهای زیادی در داخل زندانها بسر جوانان این مردم آورده. جوانان مردم را که دستگیر میکنند و میبرند اصلا دیگر معلوم نمیشود که کجا بردند و آیا دارش زند و کشتند یا چکارشان کردند! فقط امیدوارم که این مردم عقل و شعورشان را بیشتر بکار بگیرند و بعوض آن کانالها با کانال شما رابطه بگیرند و دچار فریب اینجور آدمها نشوند. باور کنید وقتی برنامه های شما شروع میشود چه توسط آن آقای کیوان جاوید با آن آرامشی که دارند و چه خود شما و دیگران ما امیدوارتر میشویم و لذت میبریم. بخدا این کانال جدید شده آرامبخش مردم و من همیشه سعی میکنم گوش کنم و زنگ بزنم و میبینم که مردم هم پشت سر هم زنگ میزنند. خسته نباشید وقتتان را نمیگیرم.

زنی از ایران

من بارها بنظرم را گفته ام!

سلام آقای کریمی. من بارها گفته ام نظر من چی هست و بازم میگویم اما گوش نمیدید شما. (خنده هر دو). ظالم را ظالم پرور بوجود میاورد. مردم باید مجریان ظالم را شناسایی کنند و گوشمالی دهند و در خارج هم مردم سعی کنند مامورین سفارتخانه های رژیم را شناسایی کنند و آرامش آنها را بگیرند. ایجاد خوف و وحشت در گروه سرکوبگر و ظالم واجتبرین و موفقتترین راه است. ما با برگرداندن موج خوف و وحشت بطرف اینها میتوانیم اینها را فرسایشی نابود کنیم اما گوش نمیدهمم وگرنه بطور یکدفعه نمیشود و اگر ده نفر از اینها کشته شود مشکل حل میشود.

مردی از ایران

از کجا شروع کنیم؟

سلام آقای کریمی. شما خودتان چه راه حلی برای سرنگونی رژیم دارید؟ ما از کجا شروع بکنیم. اینها پدر ما جوانان را و ما مردم را درآوردند و زنان ایران را هم که بدتر از همه تحت فشار قرار داده اند. خود شما این چه باید کرد را چطور توضیح میدید؟

جوانی از ایران

از صفحه ۵ صدای مردم در کانال جدید ...

میخواهیم به شاخه ای از حزب در ایران رجوع کنیم

سلام آقای کریمی. بنظر من باید در ایران یک شاخه ای از شما باشد که ما به آنجا رجوع کنیم و بدانیم که باید چکار بکنیم. آیا چگونه میشود که بدون این رابطه بتوانیم کاری بکنیم و سر خود هم که نمیتوانیم کاری بکنیم. بنظر شما میشود و ما میتوانیم بدون این رابطه کاری کنیم؟ مردی از ایران

سلام آقای کریمی. برنامه های شما خیلی جالب است و من هر وقت فرصت کنم پای برنامه های شما مینشینم.

جوانی از ایران

ما تنها این کانال و این حزب را داریم

آقای کریمی من میخواهم بشما بگویم که شما این تعارفات را با مردم کنار بگذارید و اگر میخواهید که مردم را رهبری کنید و از شر این حکومت خلاص شوید با مردم صریحتر از اینها حرف بزنید که بیایند دور این کانال جمع شوند و به رهنمودهای شما گوش کنند و در اعتصابات شرکت کنند و در

اعتصابات کارگری و دانشجویی و غیره حمایت های عملی کنند و شرکت کنند. اگر حقیقتا بخواهیم یک تغییر مثبتی در این جامعه انجام بگیرد ما هیچکس دیگری نداریم. این از خود حکومت که سی سال است پدر مردم را درآورده و آنهم از بقایای لس آنجلس نشینها که دارند مماشاتهای خودشان را میکنند و طرحهای خودشان را پیش میبرند و ما تنها این کانال و این حزب را داریم و دیگر هیچکس و هیچ چیزی غیر این نداریم که دورش متحد شویم. خواهش ما از شما اینست که با اعتماد بنفس تمام بلند بلند به مردم بگویید که بیایند دور این کانال جمع شوند و به رهنمود های این حزب گوش کنند و در سطح گسترده ای عضو حزب شوند و اگر اعتصابی راه میافتد و اعتراضی شکل میگیرد و اگر جایی دختری را دستگیر میکنند و تعرضی صورت میگیرد و اعدامهای جدیدی راه میاندازند از مردم بخواهید که وسیعا در اعتراضات شرکت کنند.

جوانی از ایران

امیدوارم بکمک شما و اتحاد مردم بتوانیم از شر اینها خلاص شویم

سلام آقای کریمی. ببینید زمانی که این رژیم روی کار آمد آدم کشت تا سرپا ایستاد و در سال ۶۷ هم ۸ هزار نفر آدم کشت لذا رژیم سفاک و خونخواری است و همینجوری نمیشود نابودش کرد و اگر هم بخواهیم نابودش کنیم باید همه سران رژیم را از خامنه ای و رفسنجانی گرفته تا خاتمی و غیره همه شان را اعدام کنیم. من میدانم که خود این سران پولهای اصلی این مملکت را بالا میکشند و یک چیزی هم میاندازند جلوی بسیجی هایشان و مطمئنم که چندان چیز دندان گیری هم برای اینها نمیدهند. امیدوارم بکمک شما و اتحاد مردم بتوانیم از شر اینها خلاص شویم.

زنی از ایران

به حزب خودتان بپیوندید

سلام آقای کریمی و درود میفرستم به همکاران خوبتان. اولاً با توجه به این ایام که مصادف شده با قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ منم به خانواده های این قربانیان درود میفرستم و همدردی ام را میرسانم و همبستگی خودم را با شما و همه محرومان و ستم دیدگان جامعه در حکومت اسلامی اعلام میکنم و امیدوارم که روزی برسد که زندان نباشد و شکنجه و اعدام نباشد. اما چرا باید متحد و متشکل شد و این رژیم را انداخت؟ خب کاملاً مشخص است چرا بخاطر اینکه در

این سی سال جز بی حقوقی و بدبختی و فقر و اعتیاد و زن ستیزی و خون جنایت به این مردم تحمیل نکرده اند. ما باید متشکل شویم و امیدوی که از جامعه رخت بر بسته به جامعه برگردانیم و برای اینکه جوان امروز تصویر روشنی از جامعه داشته باشد و زن ستیزی وجود نداشته باشد و همه با حقوق برابر و آزادی در جامعه زندگی کنند و برای اینکه بیکاری از جامعه ریشه کن شود و برای اینکه کارگران و همه کسانی که در تولید نعمات جامعه خودشان زحمت میکنند و ارائه میکنند بفرماند گردند و برای اینکه دیگر کسی کلبه نفروشد و دیگر پدر هیچ بچه ای خودش را حلق آویز نکند و نسوزاند و هیچ مادری برای تامین شیر بچه اش و هیچ دختری دانشجویی برای

تامین هزینه تحصیلش به تنفروشی دچار نگردد و هیچ دختری بخاطر همین تنفروشی در برابر مادرش با احساس سرافکنندگی و شرم مواجه نگردد و برای اینکه پشت در بیمارستانها هیچ کسی برای نداشتن پول جانش را از دست ندهد و برای اینکه ترس اعدام و این قتل عمد دولتی ای شان عزت انسانی آدم ها و جامعه را بخاطر نیناندازد، باید کارگران هر تشکلی که خودشان فکر میکنند که قابلیتش را دارند تشکیل دهند و تشکلی بسازند که با تکیه به قدرت آن و اعمال فشار بر رژیم نگذارند که کسی را اخراج کنند و به خانه بفرستند. معلمها باید تشکل سراسری خودشان را شکل دهند و جوانان هم کمیته های محلی خود را سازمان بدهند تا در مواقعی که به دوستشان و به هم محله هایشان تعرضی میشود در مقابلشان بایستند و نگذارند که ضرب و شتم و دستگیرش بکنند بلکه قوی تر از خود عوامل رژیم به آنها تعرض بکنند و حول این کانال جدید و این حزب جمع شوند و جمعیهایی را تشکیل دهند و خبر نگارانی تعیین کنند و گزارش دهی کنند و در درون خانواده ها و محیطهای کار هم صندوق های حساب شده ای بگذارند و بکمک این کانال جدید و این حزب که حزب خودشان است بشتابند. با تشکر از شما.

یک بیننده کانال جدید

شما میتوانی

افکار عمومی را بسیج کنی

سلام آقای کریمی. من میخواستم با مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر هر رژیمی که مردم را به صلابه میکشند شروع بکنم. من فکر میکنم این آمارهایی که جوانان زنگ میزنند و میگویند و بویژه بیننده ماقبل که از درون داشت میجوئید و فریاد میزد و قلب مرا هم تحت تاثیر قرار داد بگویم که واقعا این خبر صحت دارد ولی طبعاً عدد این اعدامها کم و زیاد میشود و چیزی که من شنیدم هزار نفر هست و یکی از اقوام منم میگفت که بروشور این خبر را در نماز جمعه پخش کرده اند که در رابطه با همان امنیت اجتماعی در سراسر ایران و آنهم در ملا عام خواهد بود. منم مثل شما با اعدام مخالفم و فکر میکنم راه عملی جلوگیری از این

اعدامها هم همین برنامه هایی هست که شما ارائه میکنید و روشنگری میکنید و همینجا میخواهم بگویم که شخصاً از این برنامه های خوب شما بسیار متشکرم و این برنامه های شما حتما در عرصه بین المللی هم تاثیر دارد و اگر برای مثال همین هفته پیش رو بخواهند این کار جنایتکارانه را شروع کنند و یا چند هفته بعد انجام دهند شما با همین برنامه هایتان تاثیر کاملاً عملی میگذارید و مردم را آگاه میکنید و جامعه را برای مقابله عملی با این اعدامها آماده میکنید. صحبت از هزار نفر و جریحه دار کردن هزار خانواده و یک جامعه است و اگر شما با همین برنامه هایتان افکار عمومی را بسیج کنید طبعاً رژیم میترسد و عقب نشینی میکند. خیلی متشکرم.

جوانی از ایران

جوانان

علیه حکومت اسلامی برنامه ای از کاظم نیکخواه

به این حزب و این کانال بپیوندید

سلام علیکم خسته نباشید. جوانان ما در این سی سال حکومت اسلامی خیلی رنجه کشیده اند و میکشند و ما هرچی بگوییم کم گفته ایم. من خودم دو تا پسر دارم که خدا میداند با چه بدبختی اینها را بزرگ کردیم و با بدبختی و نداری و با بی مدرکی شوهر کلی جانفشانی کردیم که اینها را شاغل کنیم و سالم تحویل جامعه دهیم. چی بگویم آخه از چه جامعه ای حرف بزنم ما هر قدر که به این بچه هایمان میرسیم و آموزش میدهم اما تا پا به جامعه میکشاند چیزهای فاسدی تحویلشان میدهند. اینها هیچ جوری آزادی ندارند اما مواد مخدر با راحتترین وجهی در اختیارشان قرار میگیرد. یکی از پسرهای من با دختری که داشت صحبت میکرد گرفتند و جلوی اینهمه آدم مثل جنایتکاران دستبند به دستاش زدند و آبروی پسر و آبروی آن دختر را و آبروی خانواده ما و آن دختر را بردند و بعد از کمیته اینها را بردند به دادگاه که حتماً باید باهم ازدواج بکنند! آخه جوانانی که باید باهم صحبت بکنند و آشنا شوند و عاشق هم شوند اینها را بطور اجباری

و داشتند که باهم ازدواج کنند و آنوقت جوانانی با اینهمه مشکلات بیکاری و نداری و هزار درد و مشکل چطور میتوانند تصمیم بگیرند و ازدواج کنند! بنظر من با تمامی این توضیحاتی که من دادم این رژیم میخواهد که جوانان ما را از بین ببرد ولی جوانان ما هم با هشیاری بالای خودشان و با گوش دادن به رهنمودهای این کانال و این برنامه های آزادی و برابری و سوسیالیسم این حزب میتوانند خودشان را نجات دهند و باید دور این کانال و این حزب جمع شوند و حزب و این کانال هم تلاش خودش را میکند که جوانان ایران و مردم ایران را متحد کند و منم تلاش برای جوان خودم میکنم تا بتوانند برای زندگی خودشان خوب باشند و برای چند تا دوستی که دور و برشان هست خوب باشند. بنظر من اگر جوانان ما به این حزب به این کانال جدید نپیوندند و آگاهی پیدا نکنند این رژیم و این جنایتکاران اینها را از بین خواهند برد. با تشکر از زحمات شما و امیدوارم که این رژیم هرچه زودتر سرنگون شود.

زنی از ایران

مسبب جمهوری اسلامی است و باید سرنگونی کرد

سلام کاظم نیکخواه عزیز داشتیم برنامه تان را گوش میکردم و حرفهای این خانم را که شنیدم که داشت از جمهوری اسلامی دفاع میکرد و جوانان را بی مشکل میدید حرفم را بزنم و جوابش را بدهم. جوانان ایران هیچ موردی از زندگی را که با آن درگیر هستند با جمهوری اسلامی مشکل نداشته باشند از تحصیل و از تفریح و از لباس و رنگ لباس و فعالیت ورزشی و اجتماعی و سیاسی گرفته تا رابطه دوستی و ازدواج و همه چی با این رژیم مشکل دارند و درگیرند. جوان ایرانی میخواهد برود دانشگاه ولی فوراً با ارگانی مواجه میشود که میخواهد دانشگاه را اسلامی کند و بطور کلی از مهد کودک گرفته تا مدرسه و دانشگاه سعی میکنند که وضعیت را اسلامی کنند مذهب را تحمیل کنند و البته سعی میکنند ولی هرگز موفق نشده اند و جوانان نمیگذارند و مقاومت میکنند. در

از صفحه ۶ صدای مردم در کانال جدید ...

مورد تفریح شما میبینید که در اروپا جوانان و مردم کلی تفریح دارند و آزادند که دیسکو بروند ولی در ایران در جمع شدن و خندیدن سر کوجه خودشان هم با انتظامات درگیرند. در مورد رابطه دختر و پسر و ازدواج حتی میبینند در منازل خودشان هم براحتی نمیتوانند جشن عروسی بگیرند. اولین مسئله ای که جوان ایرانی بخواهد پیش را از خانه بیرون بگذارد و وارد خیابان شود حجاب است و فورا با گله نیروهای اسلامی مواجه میشود و مزاحمش میشوند و جوان ایرانی هم کوتاه نمیباید در نتیجه میگیرند و میبرندشان و هزار و یک مشکل و بدبختی جسمی و روانی هم در درون کمیته ها و بازداشتگاهها و زندانها بسرشان میاورند. جوان ایرانی میخواهد متناسب با عقایدش فعالیت سیاسی و اجتماعی بکند ولی نمیتواند و از تحصیل و دانشگاه و مدرسه بیرونش میکنند و زندانی و شکنجه میکنند و مشکلات بزرگی برای خانواده و بستگانش درست میکنند و بعدش هم با هزار بدبختی و وکالت و قرار دادهای سنگین آزادش میکنند. جوان ایرانی میخواهد رابطه جنسی داشته باشد یا همجنسگرا هست و میخواهد در روابط خودش آزادی عمل داشته باشد اعدامش میکنند و نمیدانم از بالای کوه پایینش میاندازند. اساسا جوانی که درشش را خوانده و یا اصلا درسی هم نخوانده ولی وارد اجتماع شده اولین چیزی که نیاز دارد کار است که بهیچوجه برایش فراهم نیست و بویژه برای دختران و خانمها که سو استفاده ها و شرط و شروطهای دیگری هم برقرار میکنند و با هزار و یک مشکل دیگری هم درگیرشان میکنند و بطور کلی هیچ شغلی و هیچ آینده ای برای جوان ایرانی وجود ندارد. من اگر بخواهم در یک کلمه بگویم اینست که موانع و مسبب همه اینها جمهوری اسلامی است که مرگش باد و برای رفع تمامی این مشکلات اولین کاری که باید کرد اینست که این جمهوری اسلامی را باید حذف کرد و انداخت. فراخوان من به همه دانشجویان و زنان و همه جوانان اینست که در ادامه مبارزاتتان و تمامی تلاشهایی که

جوان ایرانی این حکومت را نمیخواهد و السلام

در جامعه دارید بیابید تحت رهبری حزب کمونیست کارگری متشکل شوید و به سازمان جوانان کمونیست پیوندید و مبارزه تان را متحد و متشکل بکنید تا هرچه زودتر بتوانیم از شر این رژیم خلاص شویم. زنی جوان و طرفدار کانال جدید

جمهوری اسلامی مسئول مستقیم اشاعه اعتیاد

با سلام. من از دانمارک مزاحمتان میشوم. من در زمان انقلاب در تمامی تظاهرات بودم و بعد از پایان و سرکوب تظاهرات خودم در شیراز یک کمیته معاون آن کمیته بودم. در آنجا در روبروی بیمارستان حافظ شخصی بود بنام ... که من خانه ام را به او فروخته بودم. باور بفرمایید بهنگام گرفتن پولم که پیشش میرفتم میدیدم این شخص مواد مخدر میفروخت و میدیدم کیسه هایی هستند که رویش مهر جمهوری اسلامی هست و وقتی که از او پرسیدم گفت که اینها را جمهوری اسلامی میگیرد و تریاک و مواد اصلیش را بر میدارد و بجایش کمی آت آشغال میریزد و منم میفروشم و یک چیزی گیر من میاید و یک چیزی هم میدهم به آنها. یکی

از مسولین هم آخوند دانشی بود که در دادگاه انقلاب بود و از مردم خیلی پولها گرفته بود و بعدش از دادگاه انقلاط برداشتنند و در دادگاه شخصی گذاشتند. منظوم در جواب به حرفهای آن خانمی هست که آمد گفت که جوانان مشکلی ندارند و اگر هم جوانان درستی باشند معتاد نمیشوند خواستم بگویم که یا اطلاعات ندارند و یا وظیفه شغلی و نان خوریشان اینست که بیایند روی خط و از این حرفها بزنند و از رژیم دفاع کنند. من واقعا نمیدانم این چه نوع نانی است که اینها میخورند و اینهمه بچه های خیابانی داریم و اینهمه معتاد و مریضی. جناب باور بفرمایید آزمانی که من در کمیته بودم برخی از مردم محل یک مکانی را سروسامان داده بودند که این جوانان و معتادان را جمع کنند و دارو و درمان برایشان بدهند و بهبودشان کنند اما دادستان انقلاب شیراز موافقت نکرد چون میخواستند که جوانان را معتاد بکنند و معتادان را معتاد نگهدارند و درواقع اجازه ندادند که مردم پرتجربه و نیک محل اینها را درمان کنند و نگذارند که از جامعه ایزوله شوند. موفق باشید.

جوانی از ایران

آقای نیکخواه سلام. میخواهم ببینم اینهایی که میایند میگویند مشکل نداریم پس اینهمه مواد مخدر از هر نوعش که در این مملکت میریزد و در دست جوانان میچرخد را کی رواج میدهد! بالاخره باید یکی به این موضوع جواب دهد دیگر.

جمهوری اسلامی کاری کرده است که ...

سلام آقای نیکخواه. من جوان زندان کشیده جمهوری اسلامی هستم که در اطلاعات سپاه بوده ام و بعد از زجر و شکنجه زیاد و بعد از سه سال آزاد شدم ولی در درون خانواده هم برایم مشکل ساخته اند حتی یکی از برادرانم که اطلاعاتی هست اسم من را از من گذشته است. به لطف شالقاها و شکنجه های بسیار کتفهام مشکل پیدا کرده اند. وارد اجتماع که شده ام کاری ندارم و گیر نیارم و جمهوری اسلامی کاری کرده که فقط آنهایی که نتوانند با رژیم همکاری کنند میتوانند نان راحت بدست بیاورند. من شعر کوتاهی دارم که از بدبختیهای جوانان میگوید اما بعدا رنگ میزنم و با اجازه شما میخوانم.

اگر همه متحد شویم

سلام آقای نیکخواه خوب هستید؟ من خبر زیاد دارم و حرف زیاد دارم بگویم از این گشت های حزب الله که خانم ها و جوانان را بزور میگیرند و بزور میکنند توی ماشین و میبرند و پرونده های الکی برایشان درست میکنند و مشکلات بعدی را برایشان هموار میکنند. ما جوانان در خیابان هر مقاومتی که میکنیم نمیشود و چنان ما را سرکوب کرده اند که انگار باید خفه شویم و همه اش توسری بخوریم و صدایمان هم در

نیاید. با باتوم شدیداً میزنند و کارهایی میکنند که جوان واقعا بترسد اما اینرا مطمئنم که اگر همه متحد شویم و یک مشت شویم آنچنان ضربه ای به اینها میتوانیم بزنیم که دیگر نتوانند بلند شوند. ممنون از برنامه هایتان.

زن جوانی از تهران

ما آزادی نداریم. ما کار نداریم. آخوندها همه اش دارند حق ما را میخورند. مرگ بر جمهوری اسلامی.

جوانی از ایران

ریش و پشمشان ریخته است

سلام آقای نیکخواه. اینکه راجع به جوانها صحبت بکنیم باید بگویم که واقعا عمرشان حرام شده و پایمال گشته. در اول انقلاب که پدر و مادران ما رای دادند و این حکومت سر کار آمد ما که اصلا نبودیم و حالا که آنها بالای ۵۰ و ۶۰ سالشان شده و پیر شده اند ما باید بار زهرآگین این حکومت را بکشیم در صورتیکه هیچ تقصیر و هیچ نقشی نداشته ایم یعنی بطور ناخواسته وارد وضعیتی شده ایم که از همان لحظه اش برایمان تحمیل شده حساب میشود. در برنامه های قبلیمان میدیدم یکعده ای میآمدند و میگفتند که ما به این جمهوری اسلامی رای داده ایم ولی کدام یک از ما جوانان در این دنیا بودیم که توانسته باشیم رای هم بدهیم! آنهایی که رای داده اند الان بالای ۶۰ و ۷۰ سال و ۹۰ ساله اند و یا خیلی عذر میخواهم زیر خاکند. گذشته از دوستان دیگرمان که آمدند و بدرستی مشکلات جوانان را شمرند و گذشته از بیکاری و نبود حق بیکاری و نبود آزادی که بزرگترین حق هر انسانی است اما اینها اساسا ذره ای بها برایش قائل نشده اند. ما که بچه بودیم این حکومت کاملا برای ما تحمیل شده هست و الان هم که بیست یا سی سالمان هست و حتی سی تا چهل ساله هم که باید جوان حساب شویم اما بقول دوست قبلی که زنگ زدند ما اصلا جوانی نداریم که راجع به حق و حقوقش حرفی بزنیم. اصلا جوان بیست ساله ما که جوان حساب نمیشود با اینهمه مشکلات روحی روانی و افسردگی و بی بهداشتی و بدون

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیسی:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 60-3 639 60
صاحب حساب IKK

آلمان:

Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم. تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

مکت شبه تو عکس انسان و فضا -
یا طفل غلتیده بخون - تو مهلت
گلرله ها - گریه نکن دخترکم -
زمستونم بهار میشه - یه روز میاد
که کوچه ها - بدون چوب و دار میشه
- باز یکی بود یکی نبود - یا میگیره
تو شهر من - باز رو دیوار نمیخوره -
حرمت انسان قدغن - گریه نکن
دخترکم - زمستون هم بهار میشه -
رو سقف آرزوی ما - رنگین کمون بیا
میشه، این را تقدیم میکنم به حزب
کمونیست کارگری.
سینا از سوئد*

این مطلب را ناصر احمدی
پیاده و تایپ کرده است.

من همان سینا از سوئد هستم و
گفتم که هدیه ای برایتان فرستاده ام
که برای مردم ایران پخش کنید.
میخواهم الان بخوانم. " هوای ابری
مه و دود - سرنگ و دستهای کبود -
وسوسه های هر شب - باز یکی بود
دیگه نبود - گریه نکن دخترکم -
اینجا پر از دو رنگیه - توی
خیابوناش فقط - علامتهای رنگیه -
سیاه سفید خاکستری - خورشید ها
زیر روسری - آرزوهای گمشده - پشت
غبار توسی - سقوط آفتابی دین -
عمامه های پر ز کین - روزنامه های
بسته و - ترانه های ضد دین -
قاصدک های شهر من - گلغروشهای
کوچه ها - تو باد و بارون توی برف
- زخمی این ترانه ها - خدا فقط

میبوسد و از خامنه ای پول میگیرد
و برای این رژیم کار میکند آنوقت
مردم و جوانان به کی اعتماد بکنند!
من میدانم مردم ایران به حزب شما
اعتماد دارند ... من قول میدهم که
فقط کافی است که شما یکساعت
بتوانید در تهران صحبت کنید آنوقت
میبینید که مردم دنبال شما و با
شما خواهند بود.
مردی از ایران

از دست این زندگی خسته شده ام

سلام بشما. من میخواهم درباره
ظلمی که به طبقه کارگر و کارمند
میشود چند کلمه صحبت کنم
هرچند که میدانم برنامه شما مربوط
به جوانان است. من کارمند
پتروشیمی تبریز بودم اما ۷ سال
است که بدون هیچ دلیلی اخراج
کرده اند و هیچ قانونی هم برای اینها
قابل قبول نبوده حتی قانون خودشان
که از من دفاع بکنند. الان ۷ سال
است که مرا سر میدوانند و حتی
مدرک تحصیلی مرا هم بخودم
نمیدهند. الان از دست زندگی زلله
شده ام و نمیدانم که بکجا و به کی
پناه ببرم. من شکایت کرده ام و اینها
میگویند که تو استعفا داده ای
در صورتی که اینها بزور مرا وادار به
استعفا کرده اند. الان در هیچ کجای
این شرکت پتروشیمی بمن کار
نمیدهند و ۷ سال است که در کمال
بدبختی دارم زندگی میکنم. حالا
من نمیدانم به کی و به کدام دیوانی
پناه ببرم که این قضیه را حلش
بکنند.

کارمند اخراجی پتروشیمی تبریز

راه حل؟ سرنگونی رژیم

سلام آقای نیکخواه، اینها نه تنها
برای بچه های ما کاری نمیکند
بلکه بچه های ما را معتاد کرده اند
و بیکاری و فقر و فساد و همه چیز را
ترویج داده اند و بویژه زنانی مثل من
که نان آور خانواده هستیم خیلی
مشکل داریم. من فرزند جوانی دارم
ولی در مورد راه حل چیزی بنظرم
نمیرسد جز سرنگونی این رژیم.
زنی از کرج

گریه نکن دخترکم،
زمستون هم بهار میشه

از صفحه ۷ صدای مردم در کانال جدید ...

صدایم را پخش کنید.
بیننده ای از ایران

چشماتان را باز کنید و به سمت حزب بیاید

سلام قربان. من سینا هستم از سوئد
یکی از همان جوانانی که از ایران
فرار کرده. من یک شعری ساخته ام
بنام سرنگ و دستهای کبود و
آهنگی هم رویش گذاشتم و به آدرس
کانال جدید فرستاده ام که امیدوارم
وقتی بدستان میرسد برای مردم و
جوانان ایران پخش کنید. من این را
تقدیم میکنم به حزب کمونیست
کارگری و سازمان حقوق زن در ایران.
منمون میشوم اگر آنرا پخش کنید و
مردم عزیز ما در ایران بشنوند. من
بخاطر بی عدالتی فرار کرده ام و سه
سال زندان بوده ام و هر دو کتف من
شدیدا ضربه دیده و درد میکنند و
من دانشگاهم را از دست دادم و
نتوانستم تحصیل کنم و بطور کلی
بخاطر بی عدالتی و حکومت
جنایتکارانه ای که برای مردم درست
کرده اند همه زندگیم را از دست داده
ام. در ایران نه آزادی بیان و نه آزادی
اندیشه و کلا هیچ آزادی برای مردم و
جوانان نیست بقدری که مردم از دین
خودشان هم بدور شده اند. من از
همینجا برای مردم عزیزمان فراخوان
میدهم که چشمشان را خوب باز
کنند و خوب و بد را تشخیص بدهند
و بیایند بسمت حزب کمونیست
کارگری که واقعا دارد از مردم ایران
حمایت میکند. من خوشحال
میشوم که مردم و جوانان عزیزمان
به این حزب بپیوندند و دیگر
صحبتی ندارم و متشکرم.
جوانی از سوئد

کافی است

یکساعت در تهران صحبت کنید

خسته نباشید آقای نیکخواه، جوانان
ما نمیتوانند از حقوقشان دفاع کنند
برای اینکه رهبری ندارند و
اپوزیسیون خارج کشور متحد
نیستند و آقای مثل امیر احمدی
زمانی که در خارج هست به رژیم
اسلامی انتقاد دارد ولی وقتی که به
داخل کشور می آید دست رهبری را

تأمین درمان و غیره واقعا همه شان
تباه شده اند. فقط من خواهش
میکنم از این وضعیتی که درست
کرده اند از کتک و باتوم نترسند.
اینها هیچ چی نیستند مگر
خونخوار غیر از اینکه خونخواری
بکنند کار دیگری بلد نیستند. مگر
جلاد غیر از اینکه شمشیر بکشند
کار دیگری بلد است؟ ما که توقع
رحم و مروت نمیتوانیم از اینها
داشته باشیم پس خواهشی که من از
جوانان دارم اینست که نترسند از
اینها و اینها آن تیزی اول انقلاب را
هم از دست داده اند و بقولی ریش و
پشمشان هم ریخته است لذا فقط
کافی هست که نترسند و متحد
باشند و دور این کانال جمع شوند و
کمی امید داشته باشند و حتما
میتوانیم محکم به دهن اینها بزنییم
و آنچه بزنییم که دیگر بلند نشوند.
با این اتحاد و با این کانال و با این
حزب میتوانیم این حکومت را بزیر
بکشیم و چند صباحی هم عمر
سالمی داشته باشیم و نفس راحتی
بکشیم. مرسی آقای نیکخواه زنده
باشید و پیروز باشید.
زنی از ایران

مثل آخر حکومت شاه شده است

سلام آقای نیکخواه، تا زمانی که
حکومت این روحانیان حاکم است و
اینها زندگی میکنند طبعاً برای
مردم و جوانان زندگی و راحتی باقی
نخواهد بود و صبر مردم دیگر به ته
رسیده و تمام شده است و مردم در
همه زمینه ها بویژه جوانان در همه
زمینه ها مشکل دارند. الان مدت
یکماه هست که در اغلب
شهرستانها و محله ها نیروهای
نظامی و سپاه و انتظامی ریخته اند
و مثل آخر حکومت شاه شده است.
ببینید جوانان ما خیلی وفادارند و
اراده قوی خیلی دارند و میتوانند
حرکت کنند. من استخدام نیروهای
انتظامی بودم ولی چون خوش نیامد
بدون اینکه حقوقی داشته باشم بیرون
آمدم و خود این اعتراضی بود که به
این رژیم نشان دادم. حرف دیگری
ندارم و ممنون و متشکرم از شما

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم
و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

گرامیداشت یاد قربانیان کشتار ۶۷ در مالمو

سران جمهوری اسلامی باید به جرم سه دهه جنایت علیه مردم محاکمه شوند!



روز شنبه ۳۰ اوت در گرامیداشت یاد هزاران زندانی سیاسی که در تابستان ۶۷ توسط جمهوری اسلامی اعدام شدند، مراسمی در یکی از مراکز پررفت و آمد شهر مالمو- سوئد برگزار شد. این مراسم به همایشی اعتراضی علیه جمهوری اسلامی و ۳۰ سال جنایت و سرکوب سیستماتیک این رژیم علیه مردم تبدیل شد. این مراسم به فراخوان واحد حزب کمونیست کارگری ایران، واحد فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی و کمیته بین المللی علیه اعدام در شهر مالمو برگزار شد و از طرف انجمن ایران و سوئد، انجمن آذربایجانی ها و یک انجمن شیلیایی مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفته بود.

از یکساعت قبل از شروع این مراسم، با تدارک بسیار خوب سازماندهندگان این همایش و تلاش

مجری و یکی از سخنرانان این مراسم حسن صالحی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران بود. مراسم با پخش سرود انترناسیونال آغاز شد و سپس با اعلام یک دقیقه سکوت به یاد قربانیان کشتار دهه شصت و همه جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم ادامه پیدا کرد. آنگاه حسن صالحی به زبان سوئدی در باره ابعاد قتل عام زندانیان سیاسی توسط جمهوری اسلامی در سال ۶۷ برای حاضرین توضیحاتی داد. وی در سخنانی به زبان فارسی به خانواده ها و بازماندگان قربانیان توحش جمهوری اسلامی گفت:

" ما مصمم هستیم با بر افراشتن پرچم آزادی و برابری و با انقلاب کارگران و مردم محروم، برای همیشه به حکومت اختناق و ستم و سرکوب و فقر و استثمار پایان دهیم. در زندانها را خواهیم گشود. جامعه ای آزاد و انسانی را پی خواهیم ریخت. آزادی و رفاه و زندگی انسانی را حق بی چون و چرای همه افراد اعلام خواهیم کرد. در اولین روز پیروزی یاد تمام عزیزان جانبخته مان در این نزدیک به سی سال جدال با ارتجاع حاکم را در صفوفی میلیونی با گرمی و شور تمام گرامی خواهیم داشت."

سخنران بعدی فریاده آرمان، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری، بود. او ابتدا در سخنانی به

زبان سوئدی از خاطره غم انگیزی حرف زد که چگونه خانواده ای با ناباوری خبر درنناک اعدام فرزندشان را دریافت کرد. جلدان به این خانواده که یکبار برای دیدار فرزندشان به زندان مراجعه کرده بودند می گویند بروید و کیف و سایل وی را بردارید. می پرسند چرا؟ و جلدان با بی شرمی جواب می دهند که دیگر او به کیف نیازی ندارد چرا که ما او را اعدام کرده ایم. در طول این مراسم خاطرات و مشاهدات چند زندانیان سیاسی که از کشتار سال ۶۷ جان سالم بدر برده اند از سوی حسن صالحی به زبان سوئدی بازگو شد.

در طول این برنامه سینما شهبازی هنرمند جوان با صدای دلنشین خود و نواختن گیتار دو آواز اجرا کرد که یکی از آنها در باره سنگسار بود که مورد تشویق و توجه زیاد حاضرین قرار گرفت.

این مراسم با پخش سرود انترناسیونال و راهپیمایی به طرف کانال آبی که از وسط شهر می گذرد، به پایان رسید. شرکت کنندگان با انداختن گل به کانال آب یاد و خاطره همه عزیزانی که در راه آزادی و سوسیالیسم جان باختند را گرامی داشتند. از این مراسم امیر آینه چی یک گزارش تصویری برای تلویزیون کانال جدید تهیه کرد.

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران-
سوئد
۳۰ اوت ۲۰۰۸

زبان سوئدی گفت:
" تقریباً ۳۰ سال است که رژیم جمهوری اسلامی ایران قوانین و ضوابط قرون وسطی را در ایران به اجرا گذاشته است. این رژیم کشتار مردم را درست چند ماه بعد از به قدرت رسیدن با کشتار مردم ترکمن صحرا و کردستان آغاز کرد. در سال ۱۳۶۰ دهها هزار نفر جوانان و فعالین سیاسی دستگیر و در زندانها اعدام شدند. یکی دیگر از سالهایی که هیچ ایرانی حداقل در سالهای آتی فراموش نخواهد کرد تابستان ۱۳۶۷ است، درست ۲۰ سال پیش که به فرمان خمینی چند هزار نفر از زندانیان سیاسی در تهران و سایر شهرهای کشور به جوخه های اعدام سپرده شدند. انتظار مردم ایران از همه جهانیان این است که رفتار غیر انسانی رژیم اسلامی ایران علیه مردم را محکوم کنند. نمایندگان رژیم اسلامی که در واقع نمایندگان سرکوب مردم ایران هستند بایست از همه نهادهای بین المللی بیرون انداخته شوند و رژیم اسلامی باید با بایکوت سیاسی و دیپلماتیک مواجه گردد."

فریاده آرمان نیز در پیامی به خانواده ها ضمن ابراز همدردی و اعلام همبستگی با آنها بر تداوم مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی و در هم کوبیدن این ماشین جنایت با انقلاب خود مردم تاکید کرد.

فرح یکی دیگر از سخنرانان به

خانواده های جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم در شیراز یاد عزیزان خود را گرامی داشتند

سوسیالیسم
با خیز!
برای
رفع تبعیض

انترناسیونال در این محل، نشان از پیشروی مردم در این عرصه دارد. خانواده های جانبختگان و مردم آزادیخواه اجازه ندادند محل دفن این انسانهای شریف و آزاده بی نام و نشان بماند. خانواده های جانبختگان دست در دست مردم، عمق جنایت و ابعاد فاجعه اعدامهای دسته جمعی توسط رژیم اسلامی در دهه شصت و هفتاد را به جهانیان نشان دادند. امروز خواست دستگیری و محاکمه عاملان و آمران این جنایت سیاه اوباشان

دارالرحمه شیراز تجمع نمودند و برای گردهمایی روز جمعه هشتم شهریور با یکدیگر قرار گذاشتند. امسال حضور خانواده ها پررنگ تر و روحیه ها بالاتر از سالهای قبل بود. تجمع و گردهمایی بمناسبت گرامیداشت خاطره هزاران کمونیست و انقلابی که در جدال مردم با ماشین جنایت جمهوری اسلامی به جوخه اعدام سپرده شدند، به یک سنت سیاسی جا افتاده در جامعه تبدیل شده است. تجمعات باشکوه مردم در خاوران و طنین سرود

طبق گزارش صحرا ریاحی خبرنگار حزب از شیراز، روز جمعه یک شهریور در بزرگداشت یاد جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم، تعدادی از خانواده های جانبختگان با حضور در محل دفن عزیزانشان، با نثار دسته گلگهائی یاد آنها را گرامی داشتند. جانبیان اسلامی حتی اجازه نصب سنگ نوشته بر قبر این عزیزان را نداده اند، اما خانواده ها علیرغم همه فشارها و کنترلهای پلیسی رژیم، با روحیه و جرات بالا در قطعه های مختلف

کارگری این را تضمین خواهد نمود.
گرامی یاد جانبختگان
راه آزادی و سوسیالیسم
مرگ بر حکومت جنایتکار اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۷ شهریور ۱۳۸۷، ۲۸ اوت ۲۰۰۸

جمهوری اسلامی جرات نکرد "لایحه خانواده" را تصویب کند

فرا تر نرفت.

جدال با این لایحه و کل قوانین ضد زن و عقب مانده رژیم اسلامی کماکان ادامه دارد. این بخشی از جدال مردم برای سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی است. کل ارجاع لایحه خانواده به مجلس و ترس مجلس از تصویب آن، بیش از پیش عیان کرد که جمهوری اسلامی دورنمایی برای ماندن ندارد و تنها به اتکای سرکوب و ارباب میخواهد سر پا بماند. اما پروژه اربابش نیز به جایی نرسیده است. این رژیم باید برود و عقب نشینی آن بر سر این لایحه، یکبار دیگر بن بست و استیصال رژیم را در مقابل مردم منجر از حکومت و قوانینش به نمایش گذاشت.

مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲ سپتامبر ۲۰۰۸، ۱۲ شهریور ۱۳۸۷

یکبار دیگر تفاوت بنیادی و عمیق جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی را با جنبش ملی اسلامی و حاشیه رژیم نیز عیان نمود. در مقابل پرچم آزادیخواهان جنبش برابری طلب جامعه، در مقابل پرچم سرنگونی تمام عیار رژیم اسلامی و الغای تمامی قوانین آن، پرچم "اسلام میانه رو حقوق بشری" خانم عبادی و جریانات دوم خردادی نیز به اهتزاز درآمد تا از طریق چانه زنی با نمایندگان مجلس اسلامی و گوشزد کردن خطر رادیکال شدن جنبش اعتراضی به آنها، اصلاحاتی را در این لایحه به مجلس سفارش دهد! اینها نه به اصل چند همسری اعتراض کردند و نه به فحشاء اسلامی صیغه و بی حقوقی مطلق کودک و به فقرا بردن بیش از پیش جامعه، غر و لندهایشان از چهارچوب قرآن و اسلام حقوق بشری!

نه مردم به قوانین اسلامی و ضد زن و رژیم و نه مردم به کل این رژیم متعفن اسلامی را به نمایش گذاشت. توقعات بالای مردم از برابری زن و مرد در جامعه به رژیم اسلامی اجازه پیشروی نداد. اعتراضات یکدهه اخیر زنان و مردم آزادیخواه در عرصه های مختلف بخوبی نشانگر وجود پتانسیل بالای ضد مذهبی در جنبش رهائی زن است که در یک تصویر بزرگتر آمادگی جامعه برای تصفیه حساب نهایی با مذهب را نشان میدهد. این آش زبانی شور بود، رژیم اسلامی دریافت که تصویب این لایحه، جمهوری منفور اسلامی را بیشتر تحت فشار مردم و افکار عمومی جهان قرار خواهد داد و بحران رژیم را تشدید خواهد کرد.

جدال بر سر لایحه خانواده

درجه دیگر به عقب بکشاند. محاصل سرکوب ها و بگیر و ببند های این دوره را بچینند و جشن پیروزی شان را برپا کنند که نشد، نتوانستند و منفورتر از قبل عقب نشستند. تاکید رژیم بر قرآنی بودن لایحه نتوانست حتی کل جناحهایش را در پشت سر آن یکدست و متحد نگه دارد. ترس از اعتراض مردم به گستاخی رژیم اسلامی در مکتوب کردن این لایحه فوق ارتجاعی و متعفن چنان عظیم بود که آیت الله های قم را هم سراسیمه کرد و جمع کردن بساط این لایحه را به مجلس سفارش کردند.

لایحه خانواده دولت اسلامی مصاف بزرگ جنبش ضد مذهبی و جنبش آزادیخواه زنان با مذهب و قوانین اسلامی را یکبار دیگر مقابل چشم همگان قرار داد. ترس رژیم از تصویب این لایحه، یکبار دیگر قدرت جنبش اعتراضی مردم،

لایحه خانواده رژیم اسلامی از دستور کار مجلس خارج شد. روز یکشنبه یازده شهریور قرار بود کلیات این لایحه به تصویب برسد که صلاح را در این دیدند که لایحه برای "کارشناسی" بیشتر به کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس برگشت داده شود. جرات نکردند این لایحه را تصویب کنند و عقب نشستند. لایحه فوق ارتجاعی خانواده رژیم اسلامی با تاکید بر اسلامیت صد در صدی آن توسط دولت احمدی نژاد به مجلس سپرده شد تا با فوریت به تصویب برسد و در همین سال هم به اجرا گذارده شود. سخنگویان احمدی نژاد یکی پس از دیگری اظهار داشتند که این لایحه از متن قرآن برگرفته شده است، سنت پیغمبر است، شرع انور به آن سفارش کرده است و کسی نمیتواند اشکال قانونی بر آن وارد کند. می خواستند با تصویب این لایحه جامعه را یک

کارگران نیشکر هفت تپه مجددا دست به تجمع اعتراضی زدند

ارتقا یافته که هر اجحافی را با عکس العمل سریع اعتراضی خود پاسخ میدهند. بیش از یک سال است که برای گرفتن هرامه دستمزد خود بارها دست به اعتصاب زده اند و به الگویی از اعتراض و همبستگی برای سایر بخش های کارگران تبدیل شده اند. حزب کمونیست کارگری از مبارزه بحق کارگران هفت تپه قاطعانه حمایت میکند و آنها را به همبستگی هرچه بیشتر، به متشکل شدن و دخالت فعال خانواده های کارگری در اعتراضات و تجمعات فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۴ سپتامبر ۲۰۰۸، ۱۴ شهریور ۱۳۸۷

کار میابند و غیره. کارگران در مقابل او ایستادند و دیر آملن خود او را به رخ کشیدند و گفتند خود همیشه با تاخیر به کارخانه میائی، چگونگی با کارگران اینطور صحبت میکنی؟ در حالی که تعدادی از کارگران مشغول صحبت با معاون مدیر بودند سایر کارگران نیز تصمیم به تجمع گرفتند و تعداد تجمع کنندگان در مقابل دفتر به ۱۵۰۰ نفر رسید.

سنت اعتراض و تجمع در میان کارگران نیشکر هفت تپه در طول یکی دو سال گذشته چنان

پرداخت شده است. در نیشکر هفت تپه ابتدا صحبت از ۵۰ هزار تومان بود و اکنون گفته اند معادل ۴۰ هزار تومان پرداخت میشود. این موضوع موجب اعتراض کارگران شده و کارگران با توجه به اینکه دستمزد دو ماه خود را نیز طلب دارند و مرتباً خبر از مزایده گذاشتن زمین های شرکت و طرح تعطیلی کشاندن کار خود را میشوند، دست به تجمع اعتراضی زدند. ابتدا تعدادی از کارگران از کاهش سهمیه غذای ماه رمضان مطلع شدند و جهت اعتراض به مقابل دفتر مدیریت رفتند. معاون مدیریت فردی بنام ابوالعباسی به میان کارگران آمد و شروع به طفره رفتن از موضوع کرد و از کارگران بهانه گیری کرد که دیر سر

عوامل مختلف را برای دزدی باز کرده است.

در این تجمع اعتراضی کارگران خواستار برکناری مدیر عامل و برخی از مدیران شرکت شدند. این تجمع ۴ ساعت بطول انجامید و در ساعت ۱۲ ظهر در گرمای بالای ۵۰ درجه پایان یافت. بنا به گزارش مبلغ تصویب شده بابت سهمیه غذائی ماه رمضان از سوی دولت ۱۲۰ هزار تومان است. هر ساله این مبلغ بصورت جنسی در اختیار کارگران گذاشته میشود. امسال اعلام شده است که بصورت نقدی پرداخت خواهد شد. این موضوع منبعی برای دزدی مدیران و کارفرمایان در شرکت های مختلف است. بعنوان مثال در شرکت کاغذ پارس معادل ۷۰ هزار تومان

طبق گزارشی که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، ساعت ۸ صبح امروز ۱۴ شهریور بیش از ۱۵۰۰ نفر از کارگران بخش صنعت و اداری کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در اعتراض به کاهش سهمیه غذائی ماه رمضان و عدم پرداخت حقوق دومه تیر و مرداد و نیز فروش ۷۰۰ هکتار از زمین های کشاورزی دست از کار کشیدند و جلوی درب مدیریت کارخانه تجمع کردند. لازم به توضیح است که سالها است در ایران دستمزد کارگران را تکه تکه کرده اند و بخشهایی از دستمزد را بعنوان پاداش و عیدی و جیره غذائی و غیره پرداخت میکنند که از یکطرف مبارزه و اتحاد کارگران بر سر دستمزد را با دشواری روبرو میکنند و از طرف دیگر دست

از صفحه ۱ فراخوان حزب بمناسبت ...

یک دنیای بهتر
برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۴ سپتامبر ۲۰۰۸، ۱۴ شهریور ۱۳۸۷

اعتراضات به کار میگردد. امسال سال متحد و متشکل شدن صف هرچه گسترده تری از دانشجویان و دانش آموزان و معلمان تحت پرچم حزب و برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری آزادی و برابری است.

حزب کمونیست کارگری با تمام قوا به استقبال سال تحصیلی جدید میروند و تمام قدرت تبلیغی و سازمانی خود در داخل و خارج کشور را در حمایت از مبارزه دانشجویان، دانش آموزان و معلمان و برای گسترش و سازماندهی این

کارگران کیان تایر در مقابل دفتر احمدی نژاد دست به تجمع زدند

**کارگران: اگر تا شنبه حقوق ها پرداخت نشود
همراه با خانواده هایمان بر خواهیم گشت**

بارها دست به اعتراض و اعتصاب زده اند و هربار مقامات وعده های توخالی تحویل آنها داده اند. تجمع امروز کارگران و آمادگی آنها در مقابل وعده و وعیدها و التیماutom سه روزه به دولت گامی به پیش در مبارزه کارگران کیان تایر است.

حزب کمونیست کارگری از خواستها و مبارزات بحق کارگران کیان تایر حمایت میکند و آنها را به اتحاد و یکپارچگی، پیوستن خانواده های کارگران به تجمعات آنها و برگزاری منظم مجمع عمومی برای تصمیم گیری جمعی و متحدانه در مورد ادامه مبارزه فرامیخواند.

حزب از کلیه مراکز کارگری و مردم آزادیخواه میخواهد که به هر شکل که میتوانند از جمله با پیوستن به تجمعات اعتراضی کارگران کیان تایر، با آنها اعلام همبستگی کنند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرکز بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ سپتامبر ۲۰۰۸، ۱۳ شهریور ۱۳۸۷

بنا به گزارشی که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، امروز ۱۳ شهریور حدود ۵۵۰ نفر از کارگران کیان تایر (لاستیک البرز سابق) در اعتراض به ۵ ماه دستمزد معوقه و عیدی و پاداش سال ۸۶ در دو طرف دفتر ریاست جمهوری، دست به تجمع اعتراضی زدند. این تجمع از ساعت ۸ تا ۱۱ و نیم صبح بطول انجامید. کارگران پلاکاردهائی همراه داشتند که بر آن نوشته شده بود: "ما خواهان حقوق و مزایای خودمان هستیم" و "ما حق خودمان را میخواهیم و مسئولین باید پاسخ دهند". در این تجمع معاون احمدی نژاد در امور اجتماعی به میان کارگران آمد و اعلام کرد که تا سه روز دیگر از سوی دفتر احمدی نژاد با نمایندگان کارگران نشست خواهند داشت و پاسخ روشنی خواهند داد. کارگران به تجمع خود پایان دادند و اعلام کردند که اگر تا شنبه ۱۶ شهریور جوابی به آنها داده نشود این بار با جمعی بیشتر و همراه با خانواده های خود بر خواهند گشت و تا رسیدن به خواستههایشان به تجمعات خود ادامه خواهند داد.

لازم به یادآوری است که کارگران کیان تایر در طول ماههای گذشته

یک آپارتاید فاشیستی اسلامی را به زنان تحمیل کرده اند، به شلاقشان بسته اند، و با "تمدن اسلامی" که چیزی جز تیغ و اسید و شلاق نیست به جنگ زنان رفته اند اما دست از پا درازتر به نقطه صفر برگشته اند. اگر روز به قدرت رسیدنشان مردم به حکومت اسلامی متوهم بودند و فکر می کردند بهر حال بعد از شکست دیکتاتوری شاه نفسی به راحتی خواهند کشید و شاید یادشان رفته بود که اینها پیش از به قدرت رسیدن هم سینما و رادیو تلویزیون را حرام اعلام کرده بودند، امروز دیگر با پوست و گوشت خود طعم تلخ مذهب در قدرت را چشیده اند.

همین مرتجع می گوید: خدا نیابرد روزی را که یک ناکس بخواهد درمهریزسینما بزند و دختر و پسر این شهر مذهبی را در تاریکی سالن سینما به دست هم بدهد و به دنبال آن نامه ها و تلفن ها رد و بدل بشود. هر چند تا همینجا جواب این مزخرفات عهد بوق را جوانان با موزیک های زیر زمینی و دست رد زدن به سینما اسلام داده اند اما لازم و حیاتی است یک قدم اساسی دیگر بردارند. با پیوستن به حزب کمونیست کارگری انقلاب علیه ارتجاع اسلامی را تسهیل کنند و آزاد و رها شوند. *



کیوان جاویدی

در حاشیه رویدادها

اراجیف یک خدا شناس اسلامی

جانان اسلامی است زنانی هستند که به ریش آخوند و اسلام می خندند و به قوانین عهد بوقش دهن کجی می کنند. ترس این امام جمعه هم مثل همه گله های رژیم اسلامی از اینجا ناشی می شود. اگر ترس از حضور زنانی که حجاب اسلامی را پس زده اند نبود این آخوند حقیر مجبور نبود هشدار بدهد و خط و نشان بکشد. حالا که از زبان مردم مهریز حرف زده است وقتش هست که جوانان و مردم این شهر نیز همچون جوانان آریاشهر جواب در خور این دلقک اسلامی را بدهند. اگرچه حکومت اسلامی نمی خواهد به هزار زبان به گوش ایشان و همه اعوان و انصار رژیم رسیده است اما باز هم باید این پیام را به روش آریا شهری ها به گوششان رساند.

۳۰ سال است این جماعت برای زنان خط و نشان می کشند و نه تنها با زبان ویژه آخوندی به زنان توهین می کنند بلکه تا زورشان رسیده در خیابان و مدرسه و دانشگاه و محل کار

علی برهان امام جمعه مهریز است. ایشان مثل همه مفتخوره های مرتجع اسلامی تا دهان باز می کند بوی تعفن کلامش حال مردم را بهم می زند. و البته با همین ارجیف گوئی اش مثل همه خداشناسهای تیر خلاص زن در حکومت اسلامی دارد حساب بانکی اش را انباشته تر می کند.

امام جمعه مهریز با دیدگی همه مدافعین حکومت اسلامی به زنان "بدحجاب و بی حجاب" توهین می کند و می گوید: هم اکنون زنان بد حجاب که مانند ... پالان دار هستند در جامعه فراوانند و خودنمایی میکنند. ادامه میدهد: مردم مهریزتحمّل وجود یک خانم ماتتویی را در شهرشان ندارند و دانشگاهی که بخواهد خانم ماتتویی را راه بدهد نداریم و هم اکنون پوشش لباس و وضع ظاهری که بعضی از خانمها و دختران دارند از بی حجابی بدتر است. درد ایشان معلوم است. در شهر مهریز که بظاهر در کنترل

اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

نا امنی محیط کار در سد گتوند علیا باز هم قربانی گرفت

قدس با همکاری شرکت فرانسوی کوئینه بلیه بعنوان مشاور و قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا - شرکت مهندسی سپاسد بعنوان پیمانکار از اول مهرماه سال ۸۰ این پروژه را در دست دارند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!
مرکز بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ سپتامبر ۲۰۰۸، ۱۲ شهریور ۱۳۸۷

کارگر دیگری هستند که در محیط های کار جان خود را از دست میدهند. پرداخت غرامت به خانواده های این کارگران و تامین یک زندگی مرفه برای آنها، حق ابتدائی و مسلم خانواده های آنها است.

لازم به ذکر است که سد گتوند علیا در استان خوزستان ۳۰ کیلومتری شمال غربی شهرستان شوشتر و در ۱۲ کیلومتری شهر گتوند واقع شده است. شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران بعنوان کارفرما و شرکت مهندسی مهتاب

سپرده شد. حزب کمونیست کارگری عمیقا مرگ داریوش نعیم زاده و احمد حلاج شوشتری را به خانواده های آنها و بستگان و همکارانشان تسلیت میگوید و کارفرما و دولت را بدلیل بی توجهی و سودجویی و عدم تامین امنیت محیط کار محکوم میکند. حزب خواهان پایان دادن به شرایط نا امنی است که محیط های کار را به قتلگاه کارگران تبدیل کرده است. دولت و کارفرما مسئول مرگ این کارگران و هزاران

بریدن کابل و اصابت به او از ارتفاع به پانزین پرتاب شد و بشکل دلخراشی جان باخت. داریوش نعیم زاده دارای همسر و دو فرزند خردسال بود و حدود ۲۵ سال سن داشت و صبح امروز سه شنبه ۱۲ شهریور طی مراسم باشکوهی در میان خشم و اندوه همکاران و خانواده اش و جمع کثیری از مردم از درب منزلش در شهرستان شوشتر با پای پیاده تشییع و در حالیکه به رسم محلی در طول مسیر تیراندازی هوائی میکردند، بخاک

بنا به خبر رسیده به حزب کمونیست کارگری، یکشنبه شب ۱۱ شهریور، یکی از کارگران سد گتوند علیا در استان خوزستان بنام داریوش نعیم زاده هنگام تلاش برای بیرون کشیدن لودری که در تونل سد گیر کرده بود، در اثر یک سانحه جان باخت و قربانی نا امنی محیط کار و سودجویی صاحبان سرمایه شد. این دومین مورد مرگ کارگران در سد گتوند علیا در دو ماه گذشته است. اواسط تیرماه نیز کارگر دیگری بنام احمد حلاج شوشتری در اثر رها شدن و

جمع اسپانسورهای کانال جدید تا این تاریخ، ماهانه ۸۳۰۰ دلار

هدف سه ماهه: جمع آوری ۱۲ هزار دلار در ماه است!

لیست پنجم اسپانسورهای کانال جدید را به اطلاع میرسانیم. از همه کسانی که طی هفته گذشته اسپانسور شده و لیست اسامی و مبالغ کمک آنها در پایین آمده است، صمیمانه تشکر میکنیم. با کمک های شماست که ادامه کاری صدای آزیخواهی و برابری طلبی، تریبون اعتراض مردم و ابزار سازماندهی جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی را میتوان تضمین کرد.

ما هدف سه ماهه ای را در برابر خود قرار داده ایم و امیدواریم که تا نیمه ماه نوامبر میزان اسپانسورهای ماهانه را به ۱۲ هزار دلار در ماه برسانیم. طبعاً نیازهای مالی کانال جدید و حزب بسیار فراتر از این مبلغ است اما جمع آوری همین میزان، چشم انداز ادامه کاری کانال جدید و قدمهای بعدی این کمپین را روشنتر میکند. به اعتقاد ما تحقق هدف سه ماهه و در واقع گام اول کمپین اسپانسورگیری برای کانال جدید با حمایت و تلاش شما مردم شریف، شما دوستان و اعضا و فعالین حزب شدنی است.

بار دیگر از دوستانی که این هفته به صف حامیان مالی کانال جدید پیوستند تشکر میکنیم و صفوف حزب و همه انسانهای شریف و بینندگان کانال جدید را فرامیخوانیم تا فعالانه بیاری کانال جدید بر خیزند.

اصغر کریمی از طرف هیات دبیران حزب کمونیست کارگری

۱۴ شهریور ۱۳۸۷، ۴ سپتامبر ۲۰۰۸

شماره تلفن، آدرس تماس و شماره حساب برای کمک مالی به کانال جدید:

اگر از ایران تماس میگیرید:

شهلا دانشفر: ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸
Shahla_daneshfar@yahoo.com

اصغر کریمی: ۰۰۴۷۷۸۳۲۷۷۰۳۶

اگر از آمریکای شمالی تماس میگیرید:

شرق: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
fateh_bahrani@yahoo.com

غرب: مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

اگر از اروپا و سایر کشورها تماس میگیرید:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
siabahari@yahoo.com

حسن صالحی: ۰۰۴۶۷۰۳۱۷۱۱۰۲

شماره حساب در برخی کشورها:

Sweden

Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

England

Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green

Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 4779 81

BIC: NWBK GB 2L

Germany

Rosa Mai

Konto. Nr.: 583657502

Bankleitzahl: 37010050

Post Bank

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com

نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com

سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

جاوید ناصری ۳۰۰ کرون
صابر نوری ۱۰۰۰ کرون
شاهو پیرخضریانان ۸۹۸۵ کرون

لیست شماره پنج کمک های مالی و اسپانسورهای جدید تلویزیون کانال جدید

اسپانسورها:

آراز ۱۰۰ کرون ماهانه
فرشته ایلکا ۲۰۰ کرون ماهانه
م آذری ۲۰۰۰۰ تومان ماهانه
دنیا بهتری ۱۰۰۰۰ تومان ماهانه
صابر رحیمی ۳۰۰ کرون نروژ ماهانه
علی نعمتی ۵۰ یورو ماهانه
جمع اسپانسورهای جدید، ماهانه ۲۰۰ دلار

کمک های مالی:

پویا نوید ۳۵۰ کرون
آذر پویا ۸۰۰ کرون
مجید حمیدیان ۳۰۰ کرون
هوشنگ از مالمو ۵۰۰ کرون

از ایران:

حسن کامیاب ۱۰۰۰۰۰۰ تومان
ایرج ۵۰۰۰۰ تومان
ویتا ۴۰۰۰۰ تومان
ماریا ۱۰۰۰۰ تومان
حوزه انترناسیونال ۸۰۰۰۰ تومان

جمع کمک های این هفته معادل: ۴۰۰۰ دلار

جمع اسپانسورهای کانال جدید تا این تاریخ:

ماهانه ۸۳۰۰ دلار

(مجموع کمکهای مالی به دوازده ماه سرشکن شده و به اسپانسورها اضافه شده است)

دو نامه از ایران در مورد کمک مالی به تلویزیون کانال جدید:

من یک کارمند بازنشسته هستم که از طریق همسرم با کانال جدید آشنا شدم. من مسلمانم و ایده شخصی ام با شما متفاوت است، ولی از آنجا که ایده ها و اهداف شما خیلی انسانی است، دوست دارم ماهیانه مبلغ ۲۰۰ هزار ریال به کانال جدید کمک کنم. برنامه های این کانال را میبینم و دوست دارم ادامه کار باشید و موفق.

م - آذری

با سلام

زنی هستم که در دوره دبیرستان از خواهران زینب بودم که با حجاب کامل مورد قبول انجمن اسلامی را می پوشیدم و به آن افتخار میکردم و سایر هم کلاسی های خود را هم کنترل میکردم. با قبول شدن در کنکور و تحصیل در یکی از دانشگاه های تهران کاملاً حجاب را کنار گذاشتم و خود را از قید و بند این حصار آزاد کردم.

در زندگی زناشویی به علت عدم تعهد شریک زندگی، طلاق گرفتم و کلیه قوانین ضد انسانی مانند طلاق، نفقه، عدم تمکین، ناشزه و حضانت و برخورد های تبعیض آمیز جنسی قاضی ها را با گوشت و پوست و استخوان را لمس کردم. مدتی است از طریق یکی از اقوام با کانال جدید و حزب آشنا شدم. علی رغم اینکه به خدا اعتقاد دارم ولی فقط بخاطر پیاده شدن برنامه یک دنیای بهتر در جامعه میخواهم ماهیانه مبلغ ۱۰۰ هزار ریال (ده هزار تومان) به کانال جدید کمک مالی کنم.

اینبار کمک مرداد ماه و شهریور ماه یعنی ۲۰۰ هزار ریال به شما ارسال میکنم.

دنیای بهتر

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مسئول صفحه بندی انترناسیونال: آرش ناصری